

ششمین همایش جرم‌شناسی و پیشگیری از ارتکاب جرم، خودکشی و انحرافات جوانان

نهاد برگزار کننده همایش: بنیاد علمی و حقوقی قانون یار

(با همکاری و حمایت معنوی دادگستری بروجرد، دانشگاه امام صادق، انجمن علمی معارف دانشگاه شهید بهشتی، دانشگاه لرستان، آموزش و پرورش، دانشگاه آزاد رفسنجان، سازمان ارشاد اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه و....)

سردبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی (نماینده مقالات در ۸ پایگاه ملی و بین المللی)
تاریخ برگزاری همایش: ۲۹ آذرماه ۱۴۰۲ شماره مقاله: ۲۸/۲۰۱۲۹ رده بندی کنگره: ب ۵۶/۴۷۷۷

بررسی موانع و علل عدم میل به ازدواج در بین جوانان استان همدان

رضا روزبه

چکیده

امروزه مشکلات و دایل متعدد زیادی باعث مجرد ماندن برخی از جوانان شده که هرگز ازدواج و تشکیل زندگی مشترک جزو برنامه هایشان نیست. با نگاهی به تغییرات سبک زندگی جوانان و خانواده در ایران، می توان به این موضوع پی برد که در کنار با رفتن سن ازدواج، تعداد زیادی از دختران و پسران به فکر مجرد قطعی در زندگیشان هستند و تنهایی را به زندگی مشترک ترجیح میدهند. هر یک از این دختران و پسران برای مجرد ماندن خود دایل مختلفی را مطرح میکنند که از بیکاری و وضعیت اقتصادی گرفته تا تحصیلات عالی را شامل می شود. این مسئله که میتوان به آن به عنوان یک معضل اجتماعی نگاه کرد و میتواند در آینده تاثیرات منفی زیادی داشته باشد، در شهرهایی همچون همدان مشاهده میشود؛ هنگامیکه از جوانان میپرسید که چرا به ازدواج فکر نمیکنند، میگویند در این وضعیت چه کسی میتواند ازدواج کند؟ امر ازدواج از نقطه نظر اخاقی، علمی و اجتماعی میتواند موثر واقع شود و تقریباً همهی ادیان دینی با دیدهی احترام و تحسین به آن نگرسته و دارای فواید فردی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... میباشد و پدیدهای عمومی و اجتماعی است که همزاد بشر دارد. عدم میل به ازدواج و تاخیر در سن ازدواج در میان جامعه ایرانی یکی از چالشهای اساسی و مهم است که در صورت عدم کنترل آن این چالش میتواند به یک بحران اجتماعی تبدیل شود. تمام این دایل و بهانهها در کنار یکدیگر دست به دست یک دیگر داده اند تا مجرد در ایران نمودار با شیب مایم اما صعودی را پیش گیرد. در این مقاله قصد داریم به بررسی موانع و علل عدم میل به ازدواج در بین جوانان (مخصوصاً جوانان استان همدان) بپردازیم و در این راستا با ارائه پیشنهاداتی موثر در صدد رفع این مشکل برآییم.

واژگان کلیدی: ازدواج، تاهل و مجرد، زندگی زناشویی، میل به ازدواج، تشکیل خانواده،

طاق



مقدمه

از دیرباز، بسترسازی و ساماندهی «ازدواج» به عنوان یک پدیده ی اجتماعی، از مهمترین وظایف خانواده به شمار می رفت که با دخالت مستقیم والدین و پرس و جوی اقوام و خویشاوندان تحقق پیدا می کرد اما اکنون، با تغییر شرایط فرهنگی و اجتماعی، این قرارداد اجتماعی مهم نیز دستخوش تحول های پایه یی شد تا آن جا که شاهد انواع ازدواج سنتی، مدرن (نوگرا)، تلفیقی از این ۲ و ازدواج های اینترنتی هستیم.

اما در کنار دگرگونی های صورت گرفته در روند پدیده ی ازدواج، شاهد تغییر چشمگیری در وقوع این امر اجتماعی هستیم و آن کمرنگ شدن ازدواج در میان جوانان و افزایش سن متقاضیان ازدواج هستیم. کارشناسان اجتماعی بر این باورند که عوامل بیرونی همچون مشکل های اقتصادی، شرایط دشوار گذران زندگی و افزایش سطح انتظارات ازدواج را به خرده فرهنگی بدل کرده که در اولویت های بعدی زندگی جای گرفته است. در جامعه ما همیشه خانواده به عنوان یک مجموعه کوچک از ارزش بایی برخوردار بوده است که البته این مسئله در جوامع سنتی یک امر آشکار است. با توجه به پیشرفت زندگی بشر از جوانب مختلف، چنین به نظر می آید که امروزه میل به تشکیل خانواده میان جوانان کمرنگ تر شده و بعنوان یکی از مسائل و پدیده های اجتماعی و فرهنگی حتی در سطح ملی مطرح شده است. آنچه مسلم است، این است که ازدواج در بسیاری از جوامع جهان، از جمله جامعه ما، شکل و رنگ دیگری یافته و تا حد زیادی، از اصول و ضوابط عقلی و حتی مذهبی، خارج شده است و تمام این مسائل منجر به تاخیر در این امر مهم در سرنوشت آدمی شده است. خودداری از ازدواج و در نتیجه عدم ارضای پاره های از نیازهای آدمی ممکن است زمینه اختلالات عاطفی و بیماری های جسمانی و روانی را مساعد سازد و خروج از اعتدال وجود را ممکن نماید. ازدواج و تشکیل خانواده از عوامل مختلفی تأثیر می پذیرد. توسعه و نوسازی در دنیای جدید با تغییر سریع و قابل توجه شرایط اقتصادی و اجتماعی افراد، تغییر در



زمان ازدواج و تأخیر آن را موجب شده است. نگرشهای فرهنگی در مورد ازدواج، وضعیت اشتغال و بیکاری جوانان، امید به آینده، تحصیلات و غیره نیز میتواند روند طبیعی این پدیده را دچار اختال کند. البته بایستی توجه داشت که ساختار جمعیتی جامعه نیز میتواند مستقیماً بر وضعیت ازدواج در جامعه تأثیر گذارد. ازدواج به عنوان یکی از وقایع مهم و حیاتی در زندگی افراد جامعه محسوب شده و از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار میگیرد. یکی از این زوایا، سن شروع و به اصطلاح وارد شدن به ازدواج است که میتواند تبعات جمعیتی، اجتماعی و روانی فراوانی به همراه داشته باشد. ازدواج عاوه بر پاسخگویی به نیازهای جنسی و عاطفی فرد، نیازهای اقتصادی، ارتباطات اجتماعی و فرهنگی او را نیز تنظیم میکند و به خاطر اهمیت و تأثیری که دارد، به عنوان هنجاری پذیرفته شده در تمامی کشورهای دنیا به حساب میآید اما افزایش سن ازدواج به افزایش سرمایه‌های اجتماعی منجر میشود و فرد با دیدی بازتر و اندیشمند تر همسر خود را انتخاب مینماید. میتوان گفت که این تأخیر نقش مثبتی در زندگی فرد داشته است، ولی در بسیاری از مواقع افزایش بیش از حد سن ازدواج باعث سرخوردگیهای عاطفی و روانی در فرد میشود که حتی توانمندیهای فردی هم نمی تواند این سرخوردگیها را درمان کند. در اصطلاح کلی میتوان گفت که ازدواج فرد میبایست در سن مطلوب انجام شود نه آنقدر زود که صرفاً مبتنی بر غرایز جنسی و یا اجبارهای

اقتصادی و اجتماعی باشد و نه آنقدر دیر که منجر به بروز اختلالات روانی و یا حتی آسیبهای اجتماعی شود. از طرفی، نباید از نظر دور داشت که پدیده افزایش سن ازدواج باعث اختال در کارکرد طبیعی نهاد خانواده شده و به دنبال این امر بهطور طبیعی شاهد وجود نابسامانیهایی در سطح جامعه خواهیم بود. نابسامانیهایی چون شیوع انواع فسادهای اجتماعی، بحران میل جنسی، فرار دختران و... درایران مسئله ازدواج از مسائل اجتماعی و فرهنگی زمان معاصر تلقی میشود زیرا به نظرمی رسد مشکلات، تنگناها و موانع بر سر راه جوانان در طول سالهای اخیر افزایش یافته است. مصرف گرایی، تجمل گرایی، افزایش انتظاراتها و خواسته ها، گسترش تشریفات ازدواج و جهیزیه و بسیاری از موارد مادی و فرهنگی



دیگر در کنار نبود اطمینان به آینده‌ی شغلی از جمله موانع و مشکل‌های زیادی است که در امر کاهش ازدواج موثر است. در برابر نیز بسیاری از دختران تحصیل کرده هم عواملی مانند ترس از نبود تعهد و مسوولیت‌پذیری مردان، بیکاری، درخواست جهیزیه‌های سنگین و دخالت‌های والدین را از عوامل بی‌میلی به ازدواج عنوان می‌کنند.

بخش اول: کلیات

بند اول: بررسی مفهوم ازدواج

ازدواج، نکاح یا پیوند زناشویی پیمانی است که به موجب آن یک زن و مرد باهم شریک و متحد میشوند و خانوادهای را تشکیل میدهند. در واقع هدف ازدواج تشکیل خانواده است که تمایل به این امر در نهاد انسان گذاشته شده‌است. به بیان دیگر ازدواج قراردادی است رسمی برای پذیرش یک تعهد متقابل به منظور تشکیل زندگی خانوادگی، تا طرفین ازدواج در سایه آن، در خط مسیر معین و شناخته شده‌ای از زندگی قرار گیرند. این قرارداد با رضایت و خواسته زن و شوهر و بر مبنای آزادی کامل دو طرف منعقد میگردد و در پرتو آن روابطی بس نزدیک بین آن دو پدید می‌آید. این قرارداد یا ارتباط و پیوند دو طرفه به وسیله الفاظ و عباراتی معین انجام میگیرد که آن را عقد یا پیمان ازدواج مینامیم.

بند دوم: جایگاه ازدواج در ایران

ازدواج اساس و بنیان وجود موجود است و ادامه سلسله نسل انسان، امر مقدسی است که مورد تاکید و توجه اسام و بزرگان مکتب و پیشینیان سرزمین مان بوده و هست. در دین مبین اسام تا آن جا توصیه شده که ازدواج را عامل حفظ نیمی از ایمان میدانند و معتقد است فردی که ازدواج میکند باید برای تحصیل نیم دیگر ایمانش بکوشد. رسم دیرین ازدواج از دیرباز در سرزمین کهن ایران وجود داشته و در میان قبایل و طوایف گوناگون، اشکال



مختلفی به خود گرفته است و تغییر و دگرگونی آداب و رسوم ازدواج در طول زمان و میان افراد و جوامع مختلف به صورت عرفهای این مرز و بوم درآمده است که باید با دید احترام و منطقی و جامع به آنها نگریست و از آنها درس گرفت. این عرفها وقتی که با رهنمودهای الهام بخش دین اسام، عجین شد، صورتی معنوی به خود گرفت و زینتش بسی فزونی یافت و تقدس بیش تری پیدا کرد. اما امروزه این رسم دیرپا و مقدس، با تحول اوضاع جهان، از جمله ماشینی شدن زندگی انسانها و صنعتی شدن کشورها، از جمله کشور ما، دستخوش دگرگونیهایی شده است. عواملی که بررسی و شناخت همه آنها به پژوهشی عمیق نیاز دارد، باعث شده است که این پدیده برای جوانان که سخن گفتن از ازدواج، بالطبع حضور آنان را میطلبد به صورت امری که دست یافتن به آن چندان آسان نیست، در آید. رسم و رسوم ساده و بی پیرایه روزگاران پیشین و انجام مراسم به دور از هر گونه ظاهرسازی و تجملات و فخر فروشی و در عین حال توأم با عشق و محبت، به مراسمی پر خرج و صحنه نمایش قدرت و توان مادی خانوادهها در آمده است. این امر هشدارها و نگرانیهای برخی از صاحب نظران عرصه دین و فرهنگ را نیز سبب شده است که مبادا این جریانات، خدای نکرده به خروج آیین و سیره اسام و پیشوایان دینی بینجامد. از طرف دیگر مشکلات عدیده اجتماعی را برای جامعه، به وجود آورده است. بی شک یکی از دل مشغولیهای مهم جوانان جامعه ما و خانوادههای آنها ازدواج و تشکیل زندگی مستقل است که برای رسیدن به آن با مشکلات و موانعی روبه روهستند، که هم صحبت شدن با آنها و گوش فرا دادن به حدیث دلشان تنها کاری است که از دست ما بر میآید. وقتی تاریخ گذشته جامعهمان را مطالعه میکنیم یا در فیلمها و سلها و یا به روشی دیگر مشاهده میکنیم در مییابیم که در گذشتههای نه چندان دور ازدواج روند طبیعی و عادی خود را داشت و تنها شرط اصلی ازدواج رسیدن زوجین به سن بلوغ بود و در این زمان ازدواج با کمال صفا و صمیمیت و سادگی انجام میگرفت. اتفاقا چون زندگی زوج جوان با محبت و صفا و حیا از اطرافیان و احترام به بزرگان شروع میشد و از یک سری آایشها و



ظاهر سازه‌های امروزی مبرا بود. با ثبات و مستحکم‌تر بود. اما امروزه دایل مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، اخاقي و سياسي در با رفتن سن ازدواج جوانان تأثيرگذار است. رفاه زديكي برخي از جوانان ازدواج آنها را با مشكل مواجه مي‌كند. همچنين مشكلات اقتصادي، مسكن، تهيه وسايل زندگي، مهریه سنگين، بيكاري، رفاه زديكي برخي از جوانان و فقر خانوادگي، از مهم‌ترين دایل اقتصادي موثر در تأخير ازدواج جوانان است. فقر مالي خانواده‌ها در تأمین امكانات ازدواج فرزندان‌شان را نيز ميتوان از عوامل موثر در تأخير ازدواج دانست و مادي بودن قوانين مانند زنداني شدن جواناني كه قادر به پرداخت مهریه نيستند موجب ترس آنها از ازدواج ميشود. هزينه‌های سنگين عقد و عروسي نيز در تأخير ازدواج موثر هستند. برخي از تارها براي هر نفر مهمان، دويست هزار تومان هزينه دريافت مي‌كنند و از سوي ديگر نداشتن جهيزيه كافي برخي از دختران، آنها را از ازدواج منصرف مي‌كند. الگوبرداري جوانان از فرهنگ غرب موجب تمايل به زندگي مجردي ميشود. پخش فيلم‌های مختلف در برنامه‌های ماهواره‌های هم موجب الگوبرداري جوانان از فرهنگ غرب مي‌باشد. در اثر گرايش جوانان به اين فرهنگ، زندگي مجردي و بيميلي به ازدواج در جامعه رشد مي‌يابد. مسايل فرهنگي نيز بر افزايش سن ازدواج موثر هستند. ادامه تحصيلات به ويژه توسط دختران، مدرن شدن زندگي، الگوپذيري جوانان از غرب و تمايل آنها به زندگي مجردي، تزلزل ارزش‌های سنتي و مهاجرت فرهنگي، از مهم‌ترين دایل فرهنگي براي با رفتن سن ازدواج است. درك نکردن تفاوت‌های زن و مرد و رسيدن به كمال معنوي از طريق ازدواج را ميتوان يكي ديگر از عوامل تأخير در ازدواج دانست. ناهنجاري‌های موجود در خانواده مثل شكست والدين در زندگي و درگيري‌های مداوم آنها موجب عدم تمايل آنها براي ازدواج فرزندان‌شان ميشود. مسايل اجتماعي و اخاقي نيز موجب عدم تمايل جوانان به ازدواج ميشود. گرايش به جامعه‌گريري، تنوع‌طلبي جوانان، مسئوليت‌گريري، ترس از طاق و شكست در زندگي آینده، ترس از خيانت همسر، رواج مردسالاري و زنسالاري و رقابت بين آنها، مهم‌ترين دایلي هستند كه تمايل جوانان را به ازدواج كاهش مي‌دهند. مداخله خانواده‌ها در زندگي



جوانان، یکی دیگر از دایل با رفتن سن ازدواج است. اعتیاد برخی از جوانان به مواد مخدر نیز موجب ترس بسیاری از دختران از ازدواج میشود. کاهش قبح دیر ازدواج کردن نسبت به گذشته نیز موجب با رفتن سن ازدواج گردیده است. در گذشته دیر ازدواج کردن امر ناپسندی بود اما امروزه این موضوع به یک امر بسیار عادی در جامعه تبدیل شده است. افسردگی و اضطراب، بیتوجهی به مسایل دینی، ترس از تعهد متقابل را میتوان در تأخیر ازدواج موثر دانست. امروزه توکل جوانان به خدا کاهش یافته است در حالی که برای ازدواج توکل به خدا ضروری است. تمایل بسیاری از جوانان به ازدواج هم جهت برطرف کردن نیازهای جنسی آنهاست. درحالیکه هدف اصلی از ازدواج باید رسیدن زن و مرد به کمال باشد. همچنین رواج بیبند و باری و مبهم بودن آینده جوانان در کاهش ازدواج موثر است.

بند سوم: ازدواج از دیدگاه قرآن

- لقد کان لکم فی رسول لله اسوه حسنه... .

ازدواجهای آسان و به دور از تشریفات آن حضرت و نیز زندگی حضرت زهرا (علیها السلام) و علی (علیهالسلام) که دور از تشریفات و به آسانی صورت گرفت یکی از بهترین نمونهها در این زمینه است.

- قرآن مجید در سوره حجر آیه ۸۸ و سوره طه آیه ۱۳۱ از چشم دوختن به دنیای دنیاداران، و ثروت ثروتمندان منع فرموده، و در روایات ائمه طاهرین آمده، آنان که دائم دیده به دنیای دیگران دارند، و در آرزوی رسیدن به آنان هستند، وجودشان دچار حسرت فراوان و اندوه بی پایان است.

ازدواج باید همراه با نیّت خالص، و برای خدا باشد، و هدف از آن باید اجرای سنت پیامبر، و تحصیل اواد صالح، و تشکیل زندگی پاک در سایه لطف و رحمت حق باشد نه رسیدن به ثروت.



- ما بنی بناء فی الإسلام أحب إلى الله تعالى من التزویج؛

در اسلام هیچ بنیانی پیش خدا محبوب تر از بنیان ازدواج نیست.

ازدواج بنیان محبت و عشق است و اگر تابع معیارهای اسامی باشد، هرگز سست و متاشی نمی شود. به گفته شاعر: خلل پذیر بود هر بنا که میبینی * مگر بنای محبت که خالی از خلل است.

بند چهارم: ازدواج از دیدگاه معصومین

- رسول خدا (ص) در حدیثی میفرماید:

"هرگاه کسی به خواستگاری نزد شما آمد و دینداری و امانتداری او را پسندیدید، به او زن دهید؛ که اگر چنین نکنید، در روی زمین تبهکاری و فساد پدید خواهد آمد."

- رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

هر کس در فراهم آوردن زمینه ازدواج پسران و دختران اهل ایمان زحمت بکشد، تا خداوند مهربان آنها را به یکدیگر برساند، مزدش هزار حوریه بهشتی است، و برای هر قدمی که برداشته یا هر کلمه‌ای که در این زمینه گفته ثواب یک سال عبادت است.

- امیرالمؤمنین(علیه السلام) فرمود:

بزرگترین گناه تجاوز به مال مسلمان است، و برترین میانجیگری وساطت در امر ازدواج است.



- امام صادق (علیه السلام) فرمود:

هر کس بی زنی را زن دهد، از آنانی است که خداوند در روز قیامت به او به دیده لطف و رحمت نظر میکند.

- امیرالمؤمنین (علیه السلام) میفرماید:

مهرها را زیاد نگیرید که مایه دشمنی است.

- رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

مهرها را سنگین نگیرید، مهر و محبت را باید خداوند مهربان فراهم آورد، پول و مال عشق و محبت نمیآورد.

- رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

هر کس قرار ازدواجی را بهم بزند، و زن و مردی را از هم جدا کند، در دنیا و آخرت دچار غضب و لعنت خدا شود، و بر حضرت حق است که هزار سنگ آتشین بر سر او بیارد، و هر کس در جدائی بین مرد و زنی بکوشد ولی به ثمر نرسد، دنیا و آخرت دچار خشم و لعنت حق شود، و دیدار رحمت حق بر او حرام گردد.

ای کاش تمام پدران و مادران از این معانی خبر داشتند، تا با عمل به این واقعیات از ثواب عظیم الهی بهره مند میشدند، و یکاش خبرداران از این مسائل از تکبر ر از عمل به این دستورات پرهیز میکردند، تا در قیامت دچار خشم و لعنت و عذاب، ابد حق نشوند.

- وقتی مردم از رسول خدا میپرسند که دختران خود را به ازدواج چه افرادی در آورند ؟ آن حضرت در پاسخ میفرماید : کسی که اخاقش نیکو و دیندار باشد. نکته جالب آن که ایشان حسن خلق را بر دینداری مقدم میدانند.



بخش دوم: عوامل افزایش سن ازدواج و بی میلی به ازدواج در بین جوانان استان همدان

کارشناسان امور اجتماعی عوامل زیادی برای افزایش سن ازدواج در بین جوانان استان همدان و بی میلی به ازدواج را عنوان کرده اند که ما در این جا این عوامل را در پنج بخش عمده، مطرح میکنیم:

بند اول: عوامل اجتماعی

زندگی اجتماعی گرچه یکی از ضروریات حیات انسان است، به طوری که بشر بدون اجتماع قادر به ادامه زندگی نیست. اما با این حال، اگر در برنامه ریزی و سیاست اداره جامعه، دقت کافی نشود، مشکلات زیاد به وجود میآید. یکی از عوامل افزایش سن ازدواج به مسائل اجتماعی بر میگردد که در ذیل به مهمترین عوامل اشاره میشود.

۱. رواج بیاعتمادی اجتماعی

همه اجزا و عناصر اجتماعی به هم وابستهاند و روی یکدیگر تاثیر میگذارد. ماهیت جامعه همان مصداق سخن سعدی است که بنیادم اعضای یکدیگرند. بر همین اساس، گسترش بیاعتمادی و دورویی در روابط اقتصادی و گسترش انواع بزهکاریهای اخاقي در سطح جامعه به نهاد خانواده و مناسبات انسانی هم تسری یافته و اساسا کیفیت ارتباط بادیگران را دچار شک و تزلزل کرده است. افزایش اعتیاد، فریبکاری و کاهبرداری وتجربیات تلخ دیگران در این موارد که هر روزه در صفحه حوادث روزنامهها منتشر میشود، در کنار توسعه کمی شهرنشینی و افزایش جمعیت که آدمها را با هم بیگانه کرده است، موجب بیاعتمادی و حداقل دیراعتمادی افراد به یکدیگر میشود که نقطه عطف و حساس این مساله در ازدواج و وصلت با دیگری خود را نشان میدهد. چه بسیار شکستهای عاطفی



وزناشویی که به واسطه اعتماد کاذب و خوشبینانه به دیگری رخ میدهد که تنها گوشه‌های از آن از طریق رسانه‌ها منتشر میشود. با رفتن جرایم و آسیب‌های اجتماعی مانند: اعتیاد، بی‌بند و باری، همسر آزاری، طاق، روابط سرد همسران، دخالت اطرافیان و مانند آن نه تنها موجب از هم پاشیدگی خانواده‌ها شده است، بلکه باعث سلب اعتماد جوانان از ازدواج گردیده و سبب شده است که جوان امروز به ازدواج به عنوان عامل خوشبختی، نگاه نکند و سرنوشت خود را از کسانی که در دام این آسیب‌ها گرفتار شده‌اند، جدا کنند. بدیهی است هر قدر اعتماد میان افراد جامعه بیشتر باشد، ریسک ازدواج با ترمیرود و افراد، محتاط‌تر از پیش اقدام به این کار میکنند. البته این مساله در شهرهای بزرگی مثل تهران به دایل تراکم جمعیتی و تفاوت فرهنگی، بیشتر به چشم می‌خورد و در شهرستانها شیوع کمتری دارد. لذا یکی از دایل مهم تاخیر ازدواج بویژه در شهرهای بزرگ همین عدم اعتماد متقابل و شناخت کم طرفین نسبت به یکدیگر است. (کیهان نیا، ۱۳۸۱: ۳۵)

۲. ادامه تحصیلات علمی

عامل دیگری که باعث تأخیر ازدواج میشود ادامه تحصیلات دبیرستانی یا پیشدانشگاهی است. متأسفانه در جامعه ما این عمل خوب و پسندیده مسائل ناپسند و زیانبار و گاهی فاجعه آمیزی را به دنبال خود آورده است و این به خاطر اصل موضوع یعنی ادامه تحصیلات نیست بلکه ناشی از اشتباهات و کج سلیقگی‌های خود ماست اصل مشکل این است که دختران و پسران، تحصیل کردن را با ازدواج و پذیرفتن مسئولیت زندگی مشترک مغایر و غیر عملی میدانند باید به این نکته توجه داشته باشند که با عقب انداختن ازدواج ممکن است دچار ناراحتیهای روحی و جسمی شوند و پس از گذراندن آن مراحل دیگر سامتی و شادابی خود را از دست میدهند و حوصله نداشته باشند که زندگی سعادتمندانهای تشکیل دهند و از آن لذت ببرند. دختر تصور میکند که ازدواج مانع درس خواندن میباشد زیرا بعد از ازدواج باید همسر داری کند و فرصت برای درس خواندن نخواهد داشت خانواده دختر و پسر نیز همین



عقیده را دارند در نتیجه اوضاع چنین شده که سنین ازدواج بالا رفته، پسران و دختران بر خاف میل طبیعی ملزم میدانند که ازدواج را تا پایان دوره تحصیلات به تأخیر بیندازند، مخصوصاً در شهرهای بزرگ. با اینکه تحت شدیدترین فشارهای نیروی غریزه جنسی قرار میگیرند چون ادامه تحصیل را برای آینده خود سرنوشت ساز میدانند ناچارند فشارهای غریزه جنسی را تحمل کنند. به هر حال غریزه جنسی یک واقعیت است اگر از طریق مشروع ارضاء نشود، بیم آن میرود از طریق غیر مجاز خود را آشکار سازد. نابهنجاریها و طغیانها، مفاسد اخاقی انحرافات جنسی، ولگردیها، چشمچرانیها، بعضی بیماریهای جسمانی و روانی در بین جوانان دیده میشود معلول تأخیر ازدواج و عدم دسترسی به ارضاء مشروع است. مشکلات اخاقی و اجتماعی جوانان بر اندیشمندان پوشیده نیست و مسئولین را به وحشت انداخته و در پی چارهجویی هستند، آنان توصیه میکنند برای جوانان تفریحگاه سالم، کتابخانه، پارک و.... تهیه کنید و به این وسیله اوقات فراغت آنها را اشغال کنید و آنان را سرگرم سازید تا به انحراف و گناه کشیده نشوند با این اقدامات تا حدی میتوان جلو مفاسد اخاقی را گرفت لیکن هیچکدام اینها نمیتواند پاسخگوی نیاز طبیعی و خواسته غریزه جنسی باشد و با سرگرمی و بهانه نمیشود آن را از مسیر طبیعی منحرف ساخت چنانکه گرسنگی و تشنگی را بوسیله سرگرمی نمیتوان بر طرف ساخت.

دختر و پسر دانشجو یا دانشآموز میتوانند با مقدمات ساده و کم خرج و بدون تشریفات نامزد شوند و عقد شرعی و قانونی کنند و رسماً همسر یکدیگر شوند اما عروسی عرفی را به تأخیر بیندازد و به تحصیلات ادامه دهند تا در فرصتی مناسب ازدواج کنند در این صورت از انحرافات و زیانهای مجرد بودن در امان خواهند ماند و از آرامش و فایدههای همسررداری بهرهمند خواهند شد.

مسئولین کشور و مراکز آموزشی نیز میتوانند به دانشآموزان و دانشجویان وام ازدواج بدهند و خوابگاه و سایر امکانات را بر ایشان فراهم سازند مرکز خیریه نیز میتوانند به صورت وام ازدواج یا



باعوض وجوهی را در اختیار اینگونه افراد قرار دهند و خانواده دختر و پسر تفاهم کرده زندگی ساده و باصفایی را بر ایشان تنظیم نمایند در خاتمه به جوانان توصیه میشود که خود را در این راه پیشقدم شوند و نیاز طبیعی خویش را بدون خجالت با خانواده شان در میان بگذارند و از آنان بخواهند که وسیله ازدواج ساده را برایشان فراهم سازند.

طوانی بودن مدت تحصیلات دانشگاه و افزایش نسبت دختران به پسران (که طبق بعضی آمارها تنها ۴۳/۳۵ درصد کسانی که در کنکور شرکت میکنند، پسر هستند)، سبب شده اوا، اغلب پسران و دختران تا پایان تحصیلات و بعد هم تا به دست آوردن شغل، از ازدواج سرباز زنند؛ و ثانیاً دختران به علت داشتن تحصیلات دانشگاهی حاضر به ازدواج با پسران پشت کنکور مانده نباشند و درصد بالایی از آنان بدون همسر بمانند، یا به ازدواج ناخواسته تن بدهند؛ چنان که امروز شاهد این معضل هستیم. (امینی، ۱۳۶۹: ۳۸) دکتر نوشین یآوری، جامعه شناس و همکار سازمان ملل در امور زنان، معتقد است: «از میان علل تاخیر در ازدواج جوانان تحصیلات فاکتور مهمی است، اما دایل تعیین کننده دیگری نیز وجود دارند. روند تحصیلات در ایران به تحوات اجتماعی پس از آغاز مدرنیزاسیون بازمی گردد. تحصیلات در ایران راهی بود برای کسب موفقیت و ارتقای جایگاه اجتماعی برای کسانی که پشتوانه قوی خانوادگی نداشتند. این روند از زمان رضا شاه شروع شد و با تقسیم اراضی و رشد طبقه متوسط به شکلی محدود ادامه یافت. در این روند، همیشه تعداد دختران دانشجویان کمتر بود و تحصیلات بالا برای آنها در غالب موارد به منظور سرمایه‌گذاری برای ازدواجی بهتر صورت می‌گرفت. اما پس از انقاب که درهای جامعه و دانشگاه به دلیل اسامی شدن، خواسته یا ناخواسته، روی دختران خانواده های سنتی و شهرستانی باز شد، گروه عظیمی تازه مزه در اجتماع بودن و تحصیل را چشیدند. این موجب بالا رفتن مطالبات و نقش دیگری برای آنها شد. آنها میخواستند مستقل باشند؛ کار، درآمد و مسئولیت داشته



باشند. همهی این ها، نظم و تعریف جدیدی را بین زن و مرد و روابط اجتماعی آنها ایجاد کرده اند.

۳. عدم توازن جمعیت پسران و دختران آماده ازدواج در ایران

بنابر برخی آمارها، جمعیت دختران در شرف ازدواج، یک میلیون و ششصد هزار نفر بیش از پسران آماده ازدواج است و این خود سبب میشود پسران در ازدواج رقابت نکنند و در نتیجه عجله‌های نداشته باشند.

۴. به هم خوردن توازن دختر و پسر در روستاها به علت مهاجرت از روستا به شهر

به دلیل مهاجرت گسترده‌ی پسران به جهت پیدا کردن کار، امکان ازدواج برایشان میسر نیست. از طرف دیگر نیز پسران روستایی در شهر ازدواج کرده و نسبت جنسی در سن ازدواج به همین علت بسیار نابرابر شده است. در چنین شرایطی سن ازدواج دختران روستایی با اثر رفته یا با افراد مسن و یا کسانی که هم کفو آنها نیستند ازدواج کرده که نهایتاً تعارضات بعدی و افزایش آمار طلاق را به دنبال خواهد داشت. طبق آمارها، به علت مهاجرت پسران به شهرها برای جستجوی کار، جمعیت دختران روستایی آماده ازدواج دو برابر گذشته است.

۵. فراهم نبودن امکانات ارتباط و آشنایی

با وجود اینکه جوانان انتخاب همسر را حق خود می دانند، اما شرایط ازم برای امکان آشنایی و برقراری ارتباط سالم و مشروع در بین جوانان بسیار کم و تقریباً صفر است. معمولاً شرایط اجتماعی، تحصیلی و جغرافیایی هر یک به گونه ای گزینش همسر را تحت تأثیر قرار می دهند. بدین سان انسانها بی هیچ منع قانونی خواه ناخواه همسر از بین کسانی برمی گزینند که امکان برخورد با او را در فضایی جغرافیایی بیابند و با توجه به این اصل که شناخت طرف



مقابل با چند دیدار میسر نیست در جریان نخستین دیدارها که به منظور شناخت متقابل صورت می‌گیرد هر یک از داوطلبان ازدواج به نوعی دستخوش هیجان می‌شوند و به تبع آن تصنع رفتار در حدی وسیع خواهند داشت و یا اینکه به سرعت مسائل عاطفی مطرح می‌شود و موضوع آشنایی و شناخت و معارفه خوددیده خود منتفی می‌گردد. در چنین شرایطی به نظر می‌رسد اگر ازدواجی هم صورت بگیرد فاقد بعد ذهنی و روانی است و از نظر سلیقه و عایق فردی، تطابق کافی بین زوجین وجود نداشته باشد.

۶. دوستی‌های خیابانی

فهم بسیار نادرست دیگری نیز وجود دارد که هیچ ربطی به اسلام ندارد و بین جوانان انتشار یافته، که ازدواج موفق نخواهد بود مگر اینکه قبل از آن رابطه و دوست داشتنی بوده باشد و این همان چیزی است که مستلزم وجود رابطهی طوانی مدت بین دختر و پسر برای آشنایی آنها با هم و درک شخصیت یکدیگر و عاشق همدیگر شدن است، که بدون هیچ تردیدی، این عادت در شرع خداوند حرام است و بسیاری از این رابطههای (نامشروع) در نهایت بعد از اینکه طرفین عیبهای همدیگر را دانسته‌اند، با شکست مواجه شده است. گاهی نیز انسانهای ضعیف القلب و سست ایمان، در زیر نقاب نامزدی دروغین از آن سوء استفاده کرده با آبرو و احساسات دختران مسلمانان بازی کرده، و سپس با کمال بیشرمی در حالی از ازدواج کنار میکشند، که آبرو و شخصیت دختر را لکه دار نموده‌اند. نامزدی مشروع در اسام عبارت است از اجازه‌ی نگاه کردن و صحبت کردن با دختر در حضور سرپرست وی و توافق نمودن در مورد کارهای ازدواج و نیازمندیهای زندگی مشترک. رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم میفرماید: "إِذَا خُطِبَ أَحَدُكُمُ الْمَرْأَ فَقَدِرْ أَنْ يَرَى مِنْهَا بَعْضَ مَا يَدْعُوهُ إِلَى نِكَاحِهَا فَلْيَفْعَلْ" رواه أحمد. (اگر کسی از شما خواست ازدواج کند و برایش ممکن شد آن جایی از دختر را که او را به ازدواج تشویق میکند، ببیند، حتماً این کار را بکند.) بعد از اینکه توافق برای ازدواج حاصل شد، اگر خوف فتنه و وسوسه نباشد، صحبت کردن



با نامزد بعد از آن نیز اشکالی ندارد. اما خلوت نمودن با او و ترتیب دادن قرارهای مخصوص ماقات، بیرون رفتن و مسافرت کردن با او بدون همراهی سرپرستش، همه حرام و درهای فتنهای بس بزرگ و پیروی از نقش قدم شیطان است.

۷. روابط نامشروع

یکی از بزرگترین عوامل تأخیر کنندهی ازدواج، داشتن روابط نامشروع در بعضی جوانان و اشباع غریزه‌ی جنسی و شهوت از طریق حرام و فریفته شدن به سراب عشق کاذب و دروغین است که این مورد از بزرگترین فتنه‌هاست، پس جوان مسلمان باید از الله بترسد و بداند، که عمر میگذرد و مال دنیا تمام میشود، دیانت از کف رفته و شهوت به پایان میرسد و تنها چیزی که به دنبال آنها میماند حسرت و پشیمانی است و او همچنان در شومی گناه و جهنم معصیت خداوند خواهد ماند و هرگز سعادتمند نشده، طعم خوشبختی را هم نخواهد چشید، مگر اینکه با زنی صالحه ازدواج کند و با او به آرامش برسد و زندگی و خأ عاطفی او را پر نماید، آنگاه است که لذت پاکدامنی و لذت حال را خواهد چشید. بین فرار از ازدواج و انحرافات اخاقی، رابطهای دوسویه وجود دارد. برخی پژوهشها نشان میدهند که روابط آزاد بین دختر و پسر و امکان ارضای جنسی در بیرون از چارچوب خانواده (چه به صورت مشروع و چه نامشروع)، نیاز به ازدواج را در جوانان، کم رنگ کرده است. برخی جوانان برای ارضای غرایز طبیعی خود، به ارتباط آزاد با جنس مخالف، بسنده میکنند و چون این گونه روابط، مسئولیت چندانی بر عهده فرد نمیگذارد، خود زمینهساز فرار دختران و پسران از ازدواج میشود. (زمانی، ۱۳۶۲: ۳۷ و ۲۰۰)

۸. خدمت سربازی

طبق قانون جاری کشور هرپسری ناچار است در سن ۱۸ سالگی یا بعد از خاتمه تحصیلات مدت دو سال به خدمت سرباز برود در این مدت از خانه و زندگی دور است و باید مقررات



نظام وظیفه را رعایت کند بنابراین نمی تواند مخارج خانواده اش را تامین کند و از آنها سرپرستی نماید و به همین جهت اغلب پسران ازدواج را تا پایان خدمت سربازی به تاخیر میاندازند و خانواده دختر هم کمتر حاضر میشوند دخترشان را به عقد جوانی درآورند که هنوز خدمت سربازی را انجام نداده است در نتیجه سن ازدواج به بعد از بیست سالگی کشیده شده و آثار و نتایج سوء این تاخیر بر اندیشمندان پوشیده نیست. (امینی، ۱۳۶۹: ۴۶)

سربازی، مسالهای است که به راحتی و در صورت وجود عزم و اراده در میان مسووان قابل حل است. هریک از این سه مساله دارای ابعاد گوناگونی است و بر دیگری تاثیر میگذارد. در اینجا صرفا به بررسی ابعاد اقتصادی و تاثیرات متقابل سربازی و ازدواج میپردازیم. بیشک یکی از موانع اصلی ازدواج و با رفتن سن ازدواج، مساله سربازی است. هرچند طرحهایی مانند انجام سربازی متاهان در استان بومی خود، مفید و موثر است ولی مبلغ بسیار ناچیزی که به سربازان پرداخت میشود، مدت زمان طوani ۲۰ ماهه سربازی و محرومیت از بسیاری از حقوق اجتماعی برای مشمولین غایب، سربازی را تبدیل به کابوسی برای متاهان و ازدواج را تبدیل به رویایی برای مجردان کردهاست. هرچند در اینجا قصد نداریم درباره اتاف عظیم منابع انسانی که در سربازی اتفاق میافتد، سخن بگوییم ولی واقعیت این است که سربازان بهخصوص متاهان، احساس میکنند ساعات مفید روزانه خود را باید در محیط اداری یا نظامی به بطالت و بدون دریافت حقوق مناسب سپری کنند و بعد از آن تا پاسی از شب به دنبال کسب درآمد برای خانواده خود باشند. عدم امکان تخصیص وقت و توجه کافی از سوی سربازان متاهل به خانواده خود، باعث ایجاد مشکلات روحی و خانوادگی برای این افراد و خانوادههایشان میشود، ضمن این که موجب تحلیل رفتن قوای ذهنی و فیزیکی آنان نیز میگردد. در نگاه سطحی، سربازی فقط به علت عدم رضایت اکثر خانوادهها به ازدواج دخترشان با پسری که هنوز دوره سربازی را پیش رو دارد باعث تأخیر دو ساله در ازدواج جوانان میشود. ولی در نگاه عمیقتر سربازی باعث به هم خوردن روند عادی کسب توانمندیهای شغلی و مالی و تحصیلی در جریان زندگی و عدم توازن آنها در بین پسران



و دختران میگردد. با وجود خدمت سربازی برای پسران، دختران با آرامش کنکور میدهند و مدرک بای دانشگاهی میگیرند، در حالی که در ازدواج بنا به توصیه، بهتر است مدرک تحصیلی پسران بالاتر از دختران باشد. هم چنین به تبع این مدرک جایگاههای شغلی بیشتر و بالاتری را اشغال میکنند در حالی که پسران بیشتر به آناحتیاج دارند. سربازی مانع از برنامه ریزی برای کار نیز میشود. قبل از سربازی پسران چندان دل به کار نمیدهند زیرا که تداوم نخواهد داشت. در صورت داشتن شغل نیز باید آن را به خاطر سربازی رها کرده و بعد از دو سال دوباره به دنبال شغل بگردند. محدودیتهای قانونی اشتغال بدون کارت خدمت و عدم تمایل کارفرمایان به استخدام کارکنان موقت نیز به نوبه خود مانع از اشتغال قبل از سربازی میشود. در طول دوره خدمت سربازی نیز به خاطر عدم بهکارگیری تخصصی سربازان، در اوج نشاط کاری برای جهت دهی زندگی و استفاده از اندوختههای علمی برای خدمت به جامعه، زمان جوانان به بطالت میگذرد. به همین علت سربازی باعث فراموش کردن یا کاهش معلومات و مهارتهای یاد گرفته در دوره تحصیل شده و باعث هدر رفتن سرمایههای انسانی میشود. هم چنین به علت حقوق ناچیز دوره سربازی حتی برای تحصیل کردهها، سربازی فرصت چند ساله قبل از ازدواج برای تمکن مالی حداقلی را نیز از بین میبرد. با این شرایط بیشترین ضرر خدمت سربازی متوجه خانوادههای کم بضاعت میشود زیرا که سرمایه کارشان را از دست میدهند و به این ترتیب تنها سربازانی حق ازدواج پیدا میکنند که پدران پولداری داشته باشند. با وجود تغییر ماهیت تهدیدها به سمت تهدیدهای تکنولوژیک و نرم، گر چه در گوشه و کنار پیشنهاد حذف خدمت سربازی اجباری و رفتن به سمت سربازی اختیاری و حرفهای همانند اکثر کشورهای دنیا وجود دارد ولی این نوشته درصدد بررسی مزایا و معایب این طرح متناسب با شرایط کشور ما نیست. آنچه این نوشته به دنبال آن است انعطاف و ایدپردازی در نظام سربازی فعلی به گونههای است که تأمین بنیه دفاعی کشور به قیمت تضعیف سرمایههای اعتقادی و فرهنگی با تأخیر در امر مهم ازدواج و به بار آوردن آسیبهای اجتماعی نشود.



۹. متعه یا ازدواج موقت

مشروعیتی که این نوع ازدواج به لحاظ شرعی و قانونی دارد سبب شده که برخی از مردان بعلت برخی جنبه های راحت این شیوه ازدواج، همچون بعهده نداشتن مخارج و نفقه زن مگر در صورت شرط کردن آن، به این شکل زندگی رغبت نشان داده و بدین شکل نه تنها از تمایل افراد به ازدواج دائم کاسته میشود بلکه سبب افزایش سن ازدواج نیز میشود. (امینی، ۱۳۶۹: ۴۷) به طور کلی دوشیزگان که موفق به ازدواج دائم نمی شوند و زنان مطلقه یا همسر از دست داده فرصت این چنین ازدواجی را راحت تر و بی دردسرت تر پیدا میکنند چون بیشتر به درد اطفای غرایزشان میخورد. بدیهی است در روند همین نوع «ازدواج موقت» مردان مجرد، به دلیل بهره گیری جنسی، جسمی و اطفای غرایز خود و راحتی خیال از ارتباط مشروع با زنانی که حتی همسن مادرانشان هستند و از قبل آنان شاید بهره های اجتماعی نیز نصیب شان شود، دیگر از دردسرهای مادی و غیرمادی ازدواج طبیعی و دائم آسوده میشوند. اینجا باز هم مردان هستند که از زنان به عنوان متعه استفاده میکنند. آن زنان هم، چه به حوزه مقدس زن - مادرانه خود باور داشته باشند چه نداشته باشند، ناآگاهانه و شاید بعضا "آگاهانه" موجب ازدواج نکردن طبیعی و رسمی دختران که از همجنسان خودشان هستند و نیز جوانانی میشوند که به آنان روی میآورند. این امر بدوموجب فروپاشی بنیان خانواده که زیبا ترین پدیده یک جامعه سالم است میشود. (رحمانی، ۱۳۶۲: ۳۸)

بند دوم: عوامل اقتصادی

یکی از عمده ترین دایل تأخیر ازدواج از نظر جوانان، عوامل اقتصادی است. در یک گفتگوی ساده و خودمانی با جوانان، خصوصاً پسران، میتوان به آسانی فهمید که علت نداشتن تمایل به ازدواج در اکثر آنها برخوردار نبودن از شغل، مسکن و تهیه لوازم و ضروریات زندگی و جشن ازدواج است. در این بین خانوادههای دختران هم مشکل تهیه جهیزیه را سد



بزرگی برای ازدواج دخترانشان میدانند، خصوصا خانواده‌هایی که چند دختر با فاصله‌های سنی کم، دارند.

۱. اشتغال دختران

عدم توان اقتصادی کافی، انگیزه ازدواج جوانان را پایین می‌آورد و اجازه نمی‌دهد آنان در سن پایین ازدواج کنند. اما گاهی داشتن شغل مانع ازدواج میشود و آن در صورتی است که دختران شاغل شوند. بسیاری از دخترانی که شغلی برای خود دست و پا میکنند و مشغول به کار میشوند، رغبت خود را نسبت به ازدواج از دست میدهند. دایلی که باعث کاهش میل آنها به ازدواج میشود عبارت است از:

- دختران وقتی شاغل میشوند، توان اقتصادی شان با می‌رود و به استقلال اقتصادی میرسند. از آنجایی که یکی از انگیزه‌های دختران برای ازدواج، نیاز اقتصادی است و از مجرد ماندن خود احساس سربار خانواده بودن دارند، با رسیدن به استقلال اقتصادی این انگیزه در آنها از بین می‌رود و در نتیجه بسیاری از آنان رغبت چندانی به ازدواج ندارند. بنابر این دخترانی که به ازدواج به عنوان یک تکیه گاه اقتصادی خوبی برسند، دلیلی برای ازدواج ندارند و تا مجبور نشوند، ازدواج نمی‌کنند. چنان که وجود این عامل در زنان بیوه نیز بزرگترین مانع را برای تن دادن آنها به ازدواج مجدد ایجاد میکند.
- داشتن شغل از این جهت که هم منبع اقتصادی است و هم سرگرمی خوبی است که میتواند در انسان نشاط و شادی به وجود آورد، جایگاه خاصی در بین دختران دارد. گاهی عاقه به شغل در دختران چنان زیاد میشود که به خاطر ترس از دست دادن آن، ازدواج نمی‌کنند و خواستگاران را به بهانه‌های مختلف رد میکنند. بنابر این شاغل شدن دختران یکی دیگر



از انگیزه های ازدواج آنان که رها شدن از تنهایی و انس گرفتن به همسر است را ضعیف میکند و جانشین مناسبی برای ازدواج، نزد آنها محسوب میشود. دختری که شاغل است، معموا خواستگاران بیشتری نسبت به سایر دختران دارد. به همین خاطر از تأخیر انداختن ازدواج واهمهای ندارد.

بنابراین شاغل شدن دختر (بر عکس شاغل شدن پسر که سبب زیاد شدن انگیزه به ازدواج است) انگیزه او را نسبت به ازدواج کاهش میدهد. این امروزه در کشورهای غربی تأثیر چشمگیری در کاهش رغبت عامل دختران به ازدواج داشته و حتی بسیاری از دختران و زنان غربی به خاطر همین عامل، تا آخر عمر مجرد میمانند که خود میتواند سبب به وجود آمدن بسیاری از مشکلات اجتماعی و اخاقي شود. در کشور ما نیز تأثیر شغل دختران در تأخیر ازدواج، گرچه مانند جوامع غربی نیست، ولی کما بیش دیده میشود و خطر گسترده تر شدن آن وجود دارد.

۲. مشکل مالی و اقتصادی

قسمت عمده این مشکل از معضات ساختگی جامعه ماست و حقیقتاً جزء مشکلات ازدواج نیست. اگر ازدواج ما بر مبنای اسام و فطرت انسانی استوار بود این مشکل وجود خارجی نداشت یا بسیار اندک بود و کمتر جوانی پیدا میشد که نتواند ازدواج کند. (زمانی، ۱۳۶۲: ۹۲)

۳. بیکاری

مهمترین مسئله کاهش ازدواج در جوانان ایران مسئله کار آنها میباشد. هجوم به ادارت دولتی مسئله لبریزی ظرفیت استخدامی را پیش آورده است. اینک مدتی است که ظرفیت استخدامی دولت کم و بیش به انتها رسیده است. متأسفانه منع استخدام به جز در مواردی



استثنایی به ویژه برای افراد لیسانسه تنها راه چاره‌ای است که توانسته‌اند برای جلوگیری از انفجار تراکم استخدامی بیندیشند و زمینه کارهای تولیدی متری هم به مراتب کمتر از تعداد تقاضای موجود است. در این صورت جوانان برای تامین نیازهای خود تا حدود زیادی به والدین وابسته‌اند و تا زمانی که وابستگی وجود دارد نیازی به انتخاب همسر احساس نمی‌گردد. او میبیند که سنش رو به افزایش است و باید مستقل گردد و خود تامین کننده نیازهایش باشد، ولی با این هزینه‌های سنگین زندگی و بدون شغل چگونه میتواند امیدی قاطع به امنیت اقتصادی آینده خود داشته باشد. طبق آمارهای رسمی و غیررسمی، میزان بیکاری در کشور ما به حدی است که از میانگین جهانی بسیار بالاتر است و از معضات کشور به شمار میرود. هر چند دامنه بیکاری، همه اقشار اجتماعی را در برمیگیرد، اما بیکاری فارغ التحصیلان - در سطوح کارشناسی، کارشناسی ارشد و تا حدودی در مقطع دکترا برای بعضی رشته‌های تحصیلی - یکی از مسائل حاد جامعه امروز ما را تشکیل میدهد. عاوه بر آثار و تبعات این معضل در زمینه‌های مختلف دیگر، در امر ازدواج جوانان - مخصوصا ازدواج مردان - بسیار نقش تعیین کننده ای ایفا میکند. بیکاری مردان و یا پایین بودن سطح دستمزدها برای جوانانی که با هر درجه تحصیلی مشغول به کار میشوند و نیز عدم امنیت شغلی در هنگام اشتغال به کار، از موانعی است که موجب میشود تا پسران نتوانند اقدام به انتخاب همسر برای ازدواج و تشکیل خانواده کنند.

۴. جهیزیه سنگین

جهیزیه گاه‌ها مانعی بر سر راه ازدواج دو جوان فراهم می‌سازد. وقتی از دختری علت تاخیر ازدواج پرسیده میشود در جواب میگوید: هنوز جهیزیه ازم را تهیه نکرده‌ام. به قول آیه الله مکارم که در کتاب مشکات جنسی میفرماید خدا از سر اجتماع ما نگذرد که این همه قید و بندها پایبند شوند و ازدواجها را به تاخیر اندازند. این طور نیست که در آغاز جوانی همه افراد، خانه و زندگی و همه امکانات زندگیشان فراهم بوده باشد، به خصوص پسرهای جوان که در



ابتدای راه هستند باید بدانند که خودشان از همه جهت نیاز نیستند و نباید توقع جهیزیه سنگین از دختر را داشته باشند. جهیزیه در حدی که دو جوان بتوانند در اول زندگی مشترک نیازهای اولیه‌شان را بر طرف نمایند، برای ادامه زندگی باید دست به دست همدیگر داده و نیازهای زندگی را فراهم سازند.

۵. ترس از فقر و نبودن افق روشن جوانان در استان همدان

زندگی اجتماعی امروز در بسیاری از قسمتها، از صورت یک زندگی طبیعی و صحیح بیرون رفته که یک نمونه از آن کاهش شدید ازدواج و روی آوردن جوانان به زندگی غیر طبیعی مجرد است. کاهش ازدواج در یک کشور و جامعهای در نمیگیرد، مگر این که یک سری مشکلات و موانعی بر سر راه جوانان قرار گیرد که از جمله آن موانع، ترس از فقر میباشد، در این صورت کسی که از ترس فقر ازدواج نکند به تحقیق که به خداوند سوء ظن برده است. از امام صادق (ع) نقل شده: در صورتی که خداوند فرموده است: به لطف خود آنان را بینای خواهد فرمود. بسیاری از جوانان به خاطر ترس از فقر از ازدواج منصرف شده و از این که نتوانند زندگی خود و همسر و فرزندان را در آینده تامین نمایند در هراسند. خداوند بارها و بارها فرمود که به افراد فقیر روزی و رحمت عنایت میفرماید پس نباید به خاطر فقر از ازدواج منصرف شد. (امینی، ۱۳۶۹: ۳۴)

بند سوم: عدم آموزش و آگاهی

عامل دیگری که در سن ازدواج موثر است، عدم آگاهی و آموزش ازم است، چه در مورد خانواده‌ها و چه در مورد خود جوانان. ناآگاهی والدین از ضرورت ازدواج به موقع فرزندان از جمله عواملی است که بعضا باعث بروز پاره ای بی تفاوتیها می گردد که بیشتر در خانواده های محروم و کم سواد دیده می شود، و یا مانع تراشیهایی بی موردی را موجب می شود که عما بر مشکلات ازدواج جوانان می



افزاید. اکثر جوانان در این نکته متفق القول هستند که خانواده‌ها به طور جدی و از طریق تعلیم و آموزش از ازدواج صحبتی به میان نمی آورند و فقط با گوشزد کردن ازدواجهای ناموفق و یا به رخ کشیدن ازدواجهای موفق در باب مسأله گهگاه سخنرانی می کنند. پدران و مادران که عموماً در اینگونه موارد آموزش ندیده اند طبعاً نمی توانند راهنمای فرزندانشان باشند. هیچ یک از رسانه ها، برنامه های توجیهی در رابطه با ازدواج به موقع جوانان و نارسایی های موجود به علت تأخیر در ازدواج و حتی سختگیریهایی بی مورد خانواده‌ها و یا تشویق جوانان در مورد فوق ندارند. جوانان آموزش نمی بینند. پیش از ازدواج مسائل برای آنها شکافته نمی شود. در برنامه های درسی مطالب مناسبی برای تشریح زندگی خانوادگی گنجانده نمی شود و در سالهای دبیرستان واقعیات زندگی را به جوانان آموزش نمی دهند تا در همان سالهای جوانی آگاهیهای ازم را کسب کنند و متوجه باشند که با کدام شخصیت بهتر می توانند بیامیزند و کدام بعد منفی طرف مقابل را نمی توانند تحمل کنند تا بدین طریق بتوان از آرمانی سازی ازدواج جلوگیری کرد. اکثر جوانان اظهار می دارند که تنها مسائل مادی مورد توجه آنها نیست بلکه باید به مسائل روحی آنان نیز توجه شود. جوان چون خود را نمی شناسد و آموزشی به او داده نشده است لذا نمی داند چه می خواهد معیارهای او معیارهایی است که از طرف جامعه یا خانواده به او القا شده است و به علت این عدم آموزش یکی دیگر از مشکلاتی که بر سر راه نوجوانان و جوانان در مساله ازدواج قرارمیگیرد مشکل در ((انتخاب همسر)) است. یعنی دختر و پسر نمیدانند چه کسی را با چه معیارها و صفات و خصوصیتی به عنوان همسر خود انتخاب کنند. با توجه به اینکه ضرورت ازدواج به موقع برای جوانان و خانواده‌ها تشریح نشده و با توجه به عواقب این امر عدم آگاهی و آموزش ازم در اینگونه موارد از جمله عوامل موثری است که در سن ازدواج جوانان اثر گذاشته و عمدتاً موجب تأخیر آن می گردند.



بند چهارم: گرایش به وصلت های اجتماعی

در گذشته مسایل سنتی به حدی دست و پاگیر بود که ازدواج دو جوان ایرانی، در حقیقت ازدواج دو خانواده و گاهی دو قوم یا قبیله بوده است و هرگونه رابطه ای بین زوج بر روابط خانواده یا قبایل طرفین اثر مستقیم داشته است. اکنون نیز توجه به موقعیت ممتاز خانوادگی و هم شان و هم سطح بودن و توجه به میزان و نقش منزلت نزد کسانی که دارای منزلت اجتماعی و اتری هستند و نیز آنهایی که در پایگاه پایینتری قرار دارند، از اهمیت زیادی برخوردار است و همین امر آنها را مشکل پسند کرده و گاهی موجب میشود خانواده ای از ازدواج جوان خود فقط بنا به همین دایل جلوگیری کرده و مانع ازدواج او بشوند.

۱. تغییر در سبک زندگی

بسط مدرنیته در ۱۵۰ سال اخیر تنها به مدرنیزاسیون و تجدد در کشور ما ختم نشد و بتدریج محتوای فرهنگی و شیوه زیست غربی نیز در تار و پود نظام اجتماعی ایرانیان رخنه کرد و با گسترش شهرنشینی، فرهنگ جامعه نیز متحول شد. در مسیر این تحول خانوادههای گسترده و سنتی بتدریج به خانوادههای هستهای و مدرنی بدل شدند که التزامی به برخی سنن گذشته نداشتند. از جمله مهمترین این سنتها که دستخوش تغییر شد ازدواج بود که با جلو رفتن زمان، همواره شکل و شمایل جدیدی به خود گرفته و حتی فلسفه آن تغییر کرده است. هر قدر به طبقه متوسط به بالا نزدیک میشویم دامنه این تغییرات بیشتر میشود و قالبی مدرنتر به خود میگیرد. تغییر سبک زندگی در این فرآیند البته تحت تاثیر مسائل مختلف از جمله اشتغال و تحصیل بود که به مرور ابعاد تازهتری پیدا کرد و اساسا تلقی و نگرش راجع به آن، فارغ از مسائل مالی و تحصیلی، عوض شد. این تغییر ابتدا با تاخیر در زمان ازدواج شروع شد و امروز به تغییر درباره ماهیت و کارکرد آن رسید. و امروز شاهد نگرش و دیدگاهی هستیم که به ازدواج در زندگی معتقد نیست و آنرا مانع



استقلال و آزادی انسان میدانند. البته این رویکرد بیشتر در طبقه مرفه و بالای جامعه وجود داشت، اما امروزه به دیگر طبقات اجتماعی نیز تسری یافته و در طبقات متوسط و حتی فرودست جامعه نیز مشاهده میشود. از این منظر دو دیدگاه عمده در میان نسل جدید به چشم میخورد؛ عده‌ای که به کل با ازدواج مخالف بوده و به مجرد اصالت میدهند و ازدواج را یک سنت کلیشهای و غیرعقانی تفسیر میکنند که مانع بزرگی در راه رشد و ترقی فردی آنها به حساب می‌آید و گروه دوم بر این باورند که در دوران جوانی دست کم تا ۳۰ سال فرد باید آزادانه به تجربه و لذت بردن از زندگی بپردازد و پس از رفع نیازها و به اصطلاح جوانی کردن زیر بار مسوولیت تشکیل خانواده برود.

۲. افزایش آگاهی و تحصیلات زنان

نقش تحصیلات و افزایش آگاهی زنان نسبت به حق و حقوق خویش بر تأخیر در ازدواج را از ۲ منظر میتوان بررسی کرد. یکی این که تحصیلات زنان باعث شده تا آنان نسبت به مطالبات قانونی خود آگاهی بیشتری پیدا کنند و تن به هر ازدواجی ندهند که مجبور باشند یک عمر ظلم و زور را تجربه کنند و این شناخت باعث شده تا گاهی سقف آرزوهای آنان فراتر از ازدواج و شوهر کردن قرار بگیرد و حتی ادامه تحصیل در اولویت بالاتری از ازدواج جای بگیرد. اگرچه این مساله از سوی زنان منجر به تأخیر در ازدواج میشود، اما از آنجا که ازدواج یک معامله دو طرفه است دامن مردان را نیز میگیرد و دست کم شانس انتخاب آنها را کمتر میکند. امروزه حتی شاهد رواج برخی تفکرات تند فمینیستی هستیم که ازدواج را برای زنان تن دادن به سلطه مردانه قلمداد میکند و مجرد را به عنوان مبارزه و مقاومت در برابر این نابرابری، فضیلت میبخشد. در گذشته به دلیل پررنگ بودن برخی باورها و هنجارهای سنتی فرصت فعالیت اجتماعی زنان کم بود و آنان برای رهایی از محدودیت خانه پدری، تمایل بیشتری به ازدواج داشتند اما امروزه با گسترش فعالیتهای اجتماعی زنان، دیگر شوهر کردن بهانه‌ای برای



رهایی از این محدودیتها و کسب استقلال نیست و چه بسا برخی مجرد را شرایط آزادانه‌تر و مستقلتری برای زندگی میدانند.

بند پنجم: تشریفات زیاد در مراسم عقد و عروسی جوانان استان همدان

در این جا متأسفانه تحصیل کرده‌ها از بی سوادها بدتر و امروزها از قدیمیها در این مبارزه ضعیفتر و ناتوانترند. تحصیل کرده‌های ما فکر میکنند هر چه بیشتر در مراسم عقد و عروسی تشریفات باشد و خرجهای اضافی زیاده‌تر باشد به آنها شخصیت و آبرو میدهد و فکر میکنند که شخصیت انسان در پرتو اینگونه خرجهای اضافی میباشد و شاید هم بگویند که انسان یک بار داماد یا عروس میشود ولی این را نمیدانند که بسیاری از جوانان که قدرت خرج کردن زیاد و تشریفات زیاد را ندارند، بیشترین ناله‌ها و شکایتها و داد و فریادها به خاطر همین سنگینی بار ازدواج در ایام عروسی و عقد میباشد و گر نه اصل و اساس این مسئله ساده‌تر و پاکیزه‌تر و مقدستر از آن است که این همه بدبختی و مانع و دردسر بر سر راه جوانان ایجاد کند و موجب شود که جوانان از ازدواج وحشت داشته باشند. باید کمی تشریفات و خرج کردنهای اضافی در عروسیها و عقدها را کم نمود. چرا که همین کاهش دادن تشریفات موجب آن میشود که با ذخیره نمودن پول در عروسی به بسیاری از مشکلات بعد از عروسی برسند. شروع زندگی که از روز عروسی آغاز میشود با سادگی باشد تا در آینده یک زندگی راحت و بی دردسر را داشته باشند. (زمانی، ۱۳۶۲: ۱۲۷-۱۲۹)

بند ششم: رشد بیمارگونه مهریه

رشد بیمارگونه مهریه را میتوان یکی از مشکلات ازدواج بیان کرد، خانواده‌ها سعی دارند تا از طریق مهریه دخترشان به منافع مالی برسند تا در بروز کوچکترین تضاد اخاقی، آن را مطالبه کنند. دولت و نظام جمهوری اسامی در خصوص تعیین مهریه هیچ مسئولیتی ندارد و پس از برقراری عقد بین دختر و پسر، مسئولیت پیدا میکند، در صورتی که باید دولت در



تعیین مهریه، ثبت و پیگیری آن دخالت داشته باشد. علت مهم در تأخیر ازدواج، فقدان شناخت دقیق و کافی طرفین از یکدیگر است که در قالب مانعی کاذب به نام «مهریه سنگین» بروز میکند و به همین سبب، بعضی براین باورند که یکی از موانع اصلی ازدواج جوانان، افزایش مهریه است. در حالی که یکی از عوامل مهم و شاید عامل اصلی افزایش مهریه، نگرانی دختر و خانواده او نسبت به آینده است؛ زیرا آنها با دیدن اختافهای خانوادگی و رشد نرخ طاق، به میزان ازم احساس آرامش و امنیت نکرده و جهت بالا بردن سطح اطمینان و تضمین پایداری زندگی مشترک، از اهرم «مهریه سنگین» استفاده میکنند. حال اگر مسیر دستیابی به شناخت دقیق و صحیح بهطور کامل پیموده شود، این نوع نگرانی نیز برطرف شده و با بررسی کامل و حاصل شدن اطمینان از خلق و خو و شایستگی یکدیگر، شایسته است که خانواده دختر کمترین مقدار ممکن را برای مهریه تعیین کند؛ و سزاوارتر اینکه خانواده پسر، در جهت عکس، چند برابر مقدار تعیین شده را پیشنهاد دهد. چون «خانواده» ای در حال شکلگیری است که بر پایه بررسی و شناخت دقیق اطمینان استوار است و به هم ریختن و فروپاشی آن شاید غیر ممکن باشد و در پرتو چنین شناختی، آنچنان تفاهمی پدید میآید که همچوسپیده صبح، سینه تاریک هزینههای زاید مراسم ازدواج، مشکل مسکن و غیره را میشکافد و روشنایی و صفا را بر پهنه زندگی زوج جوان میگستراند. (زمانی، ۱۳۶۲: ۱۱۷)

بند هفتم: رسانه‌ها

از دیگر عوامل تأخیر ازدواج «مدلهای موجود در مطبوعات و رسانه‌ها» میباشد. مثلاً مشاهده میشود فیلمی از زوج تازه ازدواج کرده در تلویزیون نشان میدهند که خانه آنچنانی، آشپزخانه مجهز، مبلمان و ماشین مدل بالا را به تصویر میکشد. حال باید پرسید آیا اکثر جوانان امروزی این امکانات را دارند یا عده خیلی اینچنین زندگی میکنند! این مدل، غلط، اشتباه و غربی است که از رسانه‌های دولتی، به عموم جامعه نشان داده میشود. به نظر



من با این کار، صدا و سیما، جوانان را تحقیر میکند. جوان با دیدن چنین صحنه‌هایی میگوید؛ من عرضه داشتن چنین خانه‌ای را ندارم، تا آخر عمر نیز اگر تاش کنم نمیتوانم چنین خانه‌ای را برای خود فراهم کنم. بنابراین رسانه‌ها با این کار خود، مدل اشتباهی را تبلیغ میکنند. یا نشریات مدلهای غربی را ترویج میکنند. این در حالی است که اکثر جوانها در ابتدای زندگی خود، از داشتن پنجاه متر منزل مسکونی محروم هستند.

بند هشتم: خانواده و والدین جوانان

خانواده‌ها هم در تاخیر ازدواج جوانانشان بی تاثیر نبوده و بصورت‌های مختلف زمینه افزایش سن ازدواج را در فرزندانشان فراهم میکنند. که در ادامه به برخی از آنها اشاره خواهد شد:

۱. سنگاندازی و اشکال‌تراشی بزرگ‌ترها و اطرافیان

بر نوجوانان و جوانان دختر و پسر واجب است که به خیرخواهی و دلسوزی و صاحدید و نظرات والدین، توجه کنند و از تجربیاتشان استفاده ببرند. ممکن است آنچه را پدر و مادر عاقل و فهمیده در خشت میبینند، فرزندان نوجوان در آینه نبینند. اما بعضی از موارد - متأسفانه - پدر و مادران و بزرگ‌ترها و اطرافیانی یافت میشوند که یا از روی خودخواهی و هوای نفس، و یا از روی جهل و نادانی تیشه به ریشه فرزندان و نوجوانان میزنند و با کج سلیقگی و بهانه‌های خلاف عقل و شرع و اعمال نظرهای غلط و دخالت‌های بیجا بر سر راه آنان، سنگاندازی میکنند و باعث بدبختی و تباهی‌شان میشوند. (کیهانیا، ۱۳۸۱: ۲۳)

۲. گذاشتن شرط و شروط زیاد از طرف دختر و خانواده‌اش

گذاشتن شرط و شروط مختلف و پررنگ کردن بعد مادی و ثروت در انتخاب شوهر و رضایت دادن به آن و اهمیت ندادن به دیگر صفات مهمی چون دیانت و اخلاق و همکفو بودن، این در حالی است که شارع مقدس به وجود دو خصلت بسیار بزرگ در شوهر توجه فرموده است:



“إذا أتاكم من ترضون دينه وخلقه فزوجوه إا تفعلوا تكن فتنة في الأرض وفساد كبير” (هرگاه مردی که از دیانت و اخلاق او رضایت داشتید، به خواستگاری دخترتان آمد، حتما دخترتان را به او بدهید، در غیر این صورت فتنه و فساد عظیمی در زمین به پا خواهد شد.) بسیار جای شگفتی است که بعضی از مردم دختران خود را به نکاح کسانی در می‌آورند که اصلاً نماز نمی‌خوانند، و از پروردگار خویش نمی‌ترسند فقط به خاطر اینکه ثروتی دارند، و در عین حال مرد صالح و نیکوکار را به خاطر نداشتن ثروت، رد می‌کنند.

۳. وجود برادران و خواهران بزرگتر

بعضی خانواده‌ها به خاطر داشتن این عقیده که با وجود داشتن خواهر و برادر بزرگتر در خانواده افراد کوچکتر باید منتظر بمانند تا بعد از ازدواج فرزندان بزرگتر خانواده ازدواج کنند ازدواج جوانان را به تاخیر می‌اندازند.

۴. تاثیرپذیری جوانان از خانواده

از طرف دیگر تردیدی نیست که تجربه جوان از زندگی والدین و روابط زناشویی اقوام و اطرافیان، در نگرش او به مسأله ازدواج موثر بوده و هرگونه بدبینی، در اقدام جوان به ازدواج، تأثیر خواهد داشت. در نتیجه در سن ازدواج موثر بوده و احتمالاً موجب افزایش آن می‌گردد. برگس و کوتزل ادعا می‌کنند که سعادت پدر و مادر در زندگی زناشویی خود، بر سرنوشت ازدواج فرزندان آنها تأثیر می‌گذارد. مشاهده خانواده‌هایی که در حیات زناشویی موفقیت نداشته و پیوسته در مشاجرات و اختلافات بسر می‌برند و از سوءاتفاق تعداد آنها کم هم نیست به منزله یک تهدید جدی برای جوانان محسوب می‌شود. آنها مایل نیستند فراق خاطر و آسایش خود را از دست بدهند. این دسته از جوانان ناامیلات تجرد را بر گرفتاریها و مشاجرات خانواده‌های متأهل ترجیح می‌دهند بنابراین تجارب تلخ از زندگی ناموفق والدین یا اطرافیان موجب روگردانی جوان از امر ازدواج می‌شود.



۵. عدم اهتمام ازم از سوی خانوادهها نسبت به ازدواج فرزندان

تصور عمومی بر این است که خانوادهها فقط به خاطر مشکلات مالی برای ازدواج فرزندان اقدام نمیکند؛ در حالی که بسیاری از آنها خرجهای فراوانی در موارد غیر ضروری انجام میدهند که اهمیت هیچ یک از آنها به اندازه ازدواج جوان نیست و برای تهیه آن نیز خود را به زحمت میاندازند؛ به گونهای که در بعضی موارد به قرض کردن و وام گرفتن نیز مبتا میشوند. مثا تغییر دکوراسیون منزل، تعویض وسایل و توسعه آن، سفرهای زیارتی، سفرهای خارج از کشور، خرید ماشین، تحصیل فرزند در مدارس غیر انتفاعی و دانشگاه آزاد، گرفتن معلم خصوصی، عمل جراحی به جهت زیبایی و... که هیچکدام ضروری نیستند و مردم برای آنها خرجهای فراوان میکنند، در حالی که در همین زمان نه تنها برای ازدواج فرزندان اقدام نمیکند، بلکه جهت تهیه مقدمات آن نیز تاش نمی نمایند. پس مشکل بسیاری از والدین، مشکل مالی نیست؛ و اگر برای ازدواج فرزندان به اندازه موارد فوق اهمیت میدادند، این مشکل نیز تا حد زیادی رفع میشد.

بخش سوم: تأثیر بالا رفتن سن ازدواج در گرایش به جرم

در ازدواج در کنار نیاز جنسی نیازهای عاطفی مطرح است. یعنی هرکسی نیاز دارد که بداندکسی در زندگی اش هست که در کنار رفع نیازهای طبیعی میتواند با او همفکری و مشارکت داشته باشد، پس اگر فرصت ازدواج را از دست بدهند جذب معاشرت هایی میشوند که خیلی از آنها میتواند زمینه ساز مشکلات احساسی و عاطفی برای آنها باشد، چرا که وقتی پایبندی فردی کم باشد بیشتر جذب لذتهای کوتاه مدت و آنی میشود و در این میان امکان معاشرتها و گرهمایی هایی برای او فراهم میشود که زمینه را برای مصرف مواد مخدر یا روابط نامناسب اجتماعی گسترش خواهد داد. برای جوانانی که امکان ازدواج فراهم نمی شود از یک طرف نیازو از طرف دیگر مشکلات و محدودیتها وجود دارد، در نتیجه برطبق



احساسش جذب موقعیتهای آنی و در دسترس می شود. نقش دوستان در جذب جوانان به کارهای خلاف بسیار مهم می باشد در سنین جوانی و نوجوانی دوستان نقش عمده ای ایفا میکنند، به طوری که جوانان تحت تأثیر دوستان و خواسته هایشان یا به خاطر احساس تعلق به یک گروه و نگرانی از طرد شدن توسط آنها حاضرند هرکاری بکنند. اگر اعضای خانواده ای ارتباط خوبی با یکدیگر داشته باشند میتوانند بسیاری از مسایل را با فرزندانشان مطرح کنند. در نتیجه فرزندان هم با عاقه تشریک مساعی میکنند و از نظرات خانواده بهره مند میشوند، اما اگر شاهد گسستگی در روابط خانوادگی باشیم نقش دوستان و همسالان به جای خانواده افزایش میابد و دوستان هم بیشتر تابع جنبه احساسات هستند.

بند اول: افزایش سن ازدواج، کاهش سن جرم

کارشناسان معتقدند با افزایش متوسط سن ازدواج جوانان، سن جرایمی مانند فحشاء، نزاعهای خیابانی، سرقت، فرار از خانه، مزاحمت و سایر آسیبهای اجتماعی و نیز تعداد و سابقه مجرمین کم سن و سال نیز افزایش میابد. «تحقیقات بسیاری در این حوزه صورت گرفته است. میان افزایش سن ازدواج و کاهش سن جرم در یک جامعه رابطهای معنادار وجود دارد که در کوتاهمدت آشکار میشود. انواع مختلف فحشاء، بیندوباری، تجاوز به عنف و... با افزایش سن ازدواج رابطهای مستقیم و قابل پیشبینی دارند. عاوه بر آن جنایت، قتل، دعوای خیابانی و خانوادگی، دزدی، اوباشگری، مزاحمت، روابط نامتعارف و خشن، فرار از خانه و... نیز با افزایش سن ازدواج بیشتر میشوند و در بلندمدت آسیبهای بزرگ اجتماعی را دامن میزنند. آنها بر این باورند که در میان عوامل تأثیرگذار بر کاهش سن جرم، مشکلات روانی ناشی از عدم ارضای نیازهای عاطفی، هیجانی و جنسی به طور جدی مطرح میشود و بر همین اساس توصیه میکنند که یکی از راههای پیشگیری از چنین مشکلاتی فراهم شدن امکان ازدواج جوانان در سنین مناسب است. به گزارش مرکز آمار ایران نشان میدهد سن ازدواج برای مردان از ۲۴ سال در سال ۶۵ به ۲۶/۷ سال در سال ۸۳ و



برای زنان از ۲۰ سال به ۲۳/۹ سال در این مدت رسیده است. نتایج پژوهشی تحت عنوان تحولات ازدواج و طلاق در ایران نشان می‌دهد که در سال ۱۳۴۵ سن ازدواج مردان ۲۶/۵ بوده این میزان سپس با کمی کاهش روبه‌رو شده و بیشترین کاهش را در سال ۱۳۶۵ یعنی دهه اول انقلاب داشته و پس از آن افزایش حدود نیم سال است و سپس سن ازدواج مردان از ۲۶/۵ به ۲۷ سال تغییر یافته است. تحقیقات در مورد سن ازدواج جوانان بیان میکند: سن ازدواج زنان در سال ۱۳۴۵، ۱۸ سال بوده و هم اکنون به ۲۳/۴ رسیده است. همچنین در سال ۱۳۴۵ سن ازدواج برای زنان شهری ۱۹ سال و برای زنان روستایی ۱۷ سال بود و پس از آن با مقداری افزایش رو به رشد و سپس با یک توقف بعد از انقلاب اسامی کاهش یافت ولی باید دانست که متغیرهای جمعیتی در جایی توقف میکند و از حدی بالاتر نمی‌رود، بنابراین سن ازدواج زنان در حدی متوقف می‌شود. این آمارها در حالی نشان از افزایش سن ازدواج می‌دهد که فرهنگ ما هنوز توانایی یافتن همسر مناسب و ازدواج موفق را مهمترین ماک خوشبختی به خصوص برای دختران میدانند، به طوری که حتی گاهی بیشتر فعالیتهای زندگی مثل تحصیلات بالاتر، موفقیت شغلی بهتر، ارتقای پایگاه اجتماعی و اقتصادی معطوف به یافتن همسری مناسب است که البته معلوم نیست مردانی که خود از چنین امتیازاتی برخوردارند تا چه حد عاقله مند به ازدواج کردن با دخترانی در سطح اجتماعی و حرفه‌ای خویش هستند. از طرفی توقعات خانواده‌ها در رابطه با ازدواج فرزندان با رفته و نیز بسیاری از مردان که طبق فرهنگ ما باید پا پیش بگذارند و مخارج و هزینه‌های زندگی را تأمین کنند از حیث تحصیلات، میزان درآمد و موقعیت اجتماعی و شغلی در وضعیت مناسبی به سر نمی‌برند و حتی گاهی وضعیت آنها نسبت به دختران نامطلوب است.

به عقیده روانشناسان اگر انگیزه‌های قوی به وسیله موانع غیرقابل قبول عبور با موانعی که نمی‌توانیم بر آنها فائق آییم سد شوند ناکامی به وجود می‌آید که از بارزترین نتایج آن بروز رفتارهای پرخاشگرانه است. از سویی دیگر مردم از نظر روش مقابله با یکدیگر متفاوتند و در



شرایط ظاهراً مشابه وقتی افراد دچار ناکامی میشوند بعضی تسلیم شده، بعضی به کوشش خود ادامه میدهند و بعضی دیگر زیر فشار خرد میشوند.

برهمن اساس روانشناسان تأکید میکنند که ناکامی ناشی از وجود موانع متعدد بر سر راه ازدواج جوانان میتواند شماری از آنها را به سوی ارتکاب برخی جرایم بکشانند. این تأکید در حالی است که آمارها نشان میدهد ۲۲ درصد جمعیت ورودی زندانهای کشور را جوانان تشکیل میدهند به طوری که سانه ۲۷ تا ۳۳ هزار جوان در گروه سنی ۱۹ تا ۲۵ سال زندانی میشوند. موارد نزاعهای دسته جمعی، فرار از خانه، اعتیاد، خودکشی، خنجهای فساد و فحشا پدیده مردان خیابانی و... همه بیانگر آن است که اگر به فکر چاره اندیشی نباشیم آینده این تعداد جوانان تیره و تار خواهد بود. از طرفی ازدواج به افزایش احساس امنیت، تأمین نیازهای جنسی و عاطفی جوان منجر میشود. البته این تأکید روانشناسان را نیز نباید فراموش کرد که وجود چنین آسیب های ناشی از افزایش سن ازدواج نباید به هیچ وجه منجر به انتخاب راهکار ازدواج به هر شکل و با هر شرایطی باشد، زیرا در این صورت، ازدواج نه تنها راهگشا نخواهد بود بلکه خود به جمع عوامل تأثیرگذار بر آسیبهای یاد شده خواهد پیوست. عقیده روانشناسان در مورد علل افزایش سن ازدواج در ایران: عوامل مختلف اقتصادی، جامعه شناسی و روانشناسی را در این زمینه مطرح کرده اند. از جمله عوامل اقتصادی این است که جوانان احساس میکنند امکان تأمین هزینههای زندگی روزمره را ندارند و کسانی هم که جذب بازار کار میشوند ممکن است درآمد ازم را نداشته باشند، آنهایی هم که تحصیل میکنند امید زیادی برای یافتن شغل مناسب ندارند. افرادی که به ازدواج نیاز و تمایل دارند اگر نتوانند ازدواج کنند سعی کنند که با مشغولیات، رفت و آمدها و معاشرتهای مسأله ساز خود را سرگرم کنند و به این ترتیب ممکن است تصمیم گیری برای این افراد مشکل تر شود، چون آنها فکر میکنند که قبا معیارهایی برای ازدواج داشته اند. با رفتن سن ازدواج تبعات متفاوتی برای دختران و پسران ایجاد میکند و در جامعه ای که ما فکر میکنیم مردها باید در ازدواج جلو بیایند و تصمیم بگیرند دخترها شانس کمتری خواهند داشت



چون در سن با پذیرفتن هر نوع همسری برای آنها کار آسانی نخواهد بود. به خصوص که آن دختران ما بیشتر وارد جامعه میشوند و تجربه درس و دانشگاه را به دست آورده اند در نتیجه در انتخاب همسر بیشتر دچار تردید میشوند و زمان بیشتری صرف میکنند و این مسأله شانس ازدواج آنها را در آینده کاهش میدهد. (افزایش سن ازدواج یکی از عوامل بی بندوباری و فساد، ۱۳۸۷: ۱۱)

بند دوم: تفاوت آسیب پذیری دختران و پسران

دخترانی که سن ازدواج آنها با می‌رود، به خاطر داشتن گرایش‌ها حساسیت‌ها و حسادت‌ها که ازمه سن و کمی تجربه آنهاست ممکن است بیشتر فریب بخورند و بیشتر رفتارها و واکنشهای برانگیزاننده، پرخاشگرانه و درگیرانه در آنها بروز میکند و دختران خیلی راحت تر وعده‌های افرادی را که آماده سوء استفاده از آنها هستند می‌پذیرند و جذب آنها میشوند. افزایش سن ازدواج و عدم ارضای جنسی بموقع شکلگیری عقددهای روانی و انباشت آنها در شخصیت فرد را به دنبال دارد. ارضای جنسی، امنیت و آرامش روانی را موجب میشود و بدون آن عصبیتهای روحی، مجال بروز مییابند. سن ازدواج یکی از شاخصه‌های مهم برای ارزیابی میزان سلامت و بهداشت جسمی و روانی افراد یک جامعه محسوب میشود. در کشور ما که هنجارهای دینی نزد عموم مردم از مطلوبیت خاصی برخوردار است و جوانان بخش غالب جمعیتی را تشکیل میدهند، این ارزیابی در حوزه اخلاق اجتماعی و روحیه جمعی نیز مطرح میشود و دامنه تاثیر سن ازدواج را به حوزه‌های رفتاری و فرهنگی هویتی نسل جوان میکشاند. بررسی سن ازدواج جوانان ایرانی در چند دهه اخیر، روندی صعودی را نشان میدهد در حالی که سن ازدواج در سال ۱۳۵۴ حدود ۲۵ سالگی بود، پس از چند دهه افزایش (بجز سال ۱۳۶۵) در سالهای اخیر برای پسران به ۲۸ و دختران به ۲۴ رسیده است. البته آمارهای متفاوتی در این باره ارائه میشود و طبق اعام مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسامی، سن ازدواج برای پسران ۲۹ و دختران ۲۸ است. این اعداد و ارقام هر چه که



باشد، از با بودن نامعقول سن تاهل خبر میدهد که بالطبع از جنبه‌های مختلف و به صورت پردامنه به آسبیزایی در جامعه عرف‌پسند و هنجارطلب ما میپردازد (خلیفی، ۱۳۸۷: ۱۰) قرآن کریم بلوغ را سن ازدواج میداند و از آن با تعبیر بلوغ نکاح یاد میکند. شیخ طوسی سن ازدواج را سن توانایی جنسی و رغبت به تاهل میداند. یعنی سن ازدواج، سن تمایل است و چنین برمیآید که در صورت نیاز اگر ترک آن موجب گناه شود، ازدواج واجب میشود. اما در جوامع امروزی، سن ازدواج از سن بلوغ جسمی فاصله گرفته است و اغلب این فاصله معقول پنداشته میشود. جوامع غربی این خا زمانی یا در حقیقت دوره بحرانی را با روابط آزاد جنسی که پشتوانه قانونی دارد، میپوشانند اما جامعه دینی ما چنین راهکاری را برنمیتابد. بالطبع در چنین شرایطی، آشکار شدن آسیبهای دوره بحرانی ناگزیر است چرا که نه میتوان مطابق راهکار دینی، سن ازدواج را به دوران بلوغ نزدیک کرد و نه شرایط فرهنگی و اجتماعی دنیای معاصر اجازه میدهد جامعه در شرایطی سالم افزایش سن ازدواج را تابی بیاورد. در این باره توسلی به آموزه‌های دینی مبنی بر خویش‌تنداری تنها گزینه پیشروست که باز هم به دلیل شرایط فرهنگی روز و حاد بودن آسیبهای تاخیر در ازدواج به صورت عمومی و گسترده راه به جای نمیرد. از زاویه دیگری نیز میتوان به این مساله نگاه کرد.

ایشان همچنین فرمودند: خویش‌تنداری فرمان خداوند متعال برای فردی است که به هر دلیل توانایی ازدواج ندارد. اراده خداوند برای زندگی انسان و دستورات وی مطابق دین مبین اسام که دین فطرت و طبیعت است بر ازدواج، تسکین روحی و جسمی و بقای نسل تاکید دارد و دستور ارزشمند خویش‌تنداری که برای جلوگیری از آغشته شدن فطرت فرد به بیمبایاتی و گناه است نباید با یک راهکار کان برای اداره جامعه یا شیوهای منفعانه در برابر ضعفهای موجود بر سر راه ازدواج بموقع جوانان اشتباه گرفته شود. چنین برمیآید که حکم خویش‌تنداری نه از فرد و نه از جامعه که دولت مظهر آن است، رفع تکلیف نمیکند! چنانکه امیرالمومنین علی(ع) پس از اجرای حد درباره جوانی که از تجرد به گناه افتاده بود، دستور داد تا از بیت‌المال وی را تامین کنند و تاهل را بر وی امکانپذیر ساخت در عمل نیز نزدیک شدن



سن ازدواج به مرز دهه سوم زندگی، پیامدهای رفتاری و روانی وحشتناکی برای جامعه امروزی به دنبال دارد.

بند سوم: ناکامی و دامنه آسیبهای آن

«هنگامی که انگیزه‌های قوی نظیر شهوت، تولیدمثل، استقلال زیستی و تشکیل خانواده به وسیله موانع غیرقابل قبول یا موانعی که فرد برای رفع آنها ناتوان است، سرکوب شوند یا معطل بمانند احساس ناکامی رخ میدهد. احساس ناکامی یکی از الگوهای قدرتمند رفتاری هنجاری، ارزشی و نگرشی است که شخصیت و هویت فرد را زیر سلطه میگیرد و با گذشت زمان قویتر میشود. این احساس بتدریج در تمامی ابعاد وجودی فرد ناکام، تسری مییابد و به اندیشه بزهکاری و ایجاد بسترهای جرم‌زایی وی میانجامد. به علاوه نیروی گسیخته شهوانی، فرد را به اعمال غیراخاقي سوق میدهد که روابط نامشروع، همجنس‌گرایی، انحرافات جنسی، خودارضایی، تنوع‌طلبی جنسی، عدم ارضای روحی و... بخشی از آنها را شامل میشود. چنین گرایشهایی نتیجه تجربه‌های نادرست جنسی و خیالپردازیهای شهوانی پیش از ازدواج محسوب میشود و در افزایش فاصله بلوغ تا تاهل ریشه دارد. از سوی دیگر افزایش سن ازدواج و عدم ارضای جنسی بموقع شکلگیری عقده‌های روانی و انباشت آنها در شخصیت فرد را به دنبال دارد. ارضای جنسی امنیت و آرامش روانی را موجب میشود و بدون آن عصبیتهای روحی، طغیانگری، احساس پوچی و حتی میل به خودکشی مجال بروز مییابند. روابط نامشروع پیش از ازدواج نیز نه تنها به ارضای کامل و جامع منجر نمیشوند بلکه چون همواره با احساس گناه و غیراخاقي بودن همراه است بر میزان عصبیتهای میافزاید.»

ازدواج، فرهنگی مشترک میان همه جوامع میباشد که با نیازهای عمیق و ریشه‌دار انسان در طول تاریخ بشریت سر و کار دارد و بدون آن جامعه انسانی با دگرگونی و مسخ



بنیادین مواجهه میشود آمارها نشان میدهد اغلب دختران و پسران فراری از خانه بر سر موضوع ازدواج با خانواده‌شان اختاف دارند. تحقیقات سازمان بهزیستی کشور نیز نشان میدهد سن شروع روسپیگری برای بیش از ۶۰ درصد دختران ۱۳ تا ۲۰ سال است، یعنی درست در سنین بلوغ و برخی هم فراهم نبودن شرایط ازدواج یا مخالفت خانواده‌شان را با تاهل آنها دلیل اصلی گرایش به روسپیگری معرفی کرده‌اند که این میزان را ۷۰ درصد میدانند. آمار دیگری نشان میدهد نزدیک یک چهارم زندانیهای کشور را جوانان زیر ۳۰ سال تشکیل میدهند و مجموعه این ارقام از آسیب‌هایی حکایت میکند که با رفتن سن ازدواج و مشکلات جنسی، روحی و روانی بخش‌های مهمی از آنرا تشکیل میدهد. (بروجردی، ۱۳۸۷: ۸۳)

افزایش امنیت درونی، بازیابی شخصیتی و حتی رفع برخی مشکلات ذهنی و روانی ارزش‌هایی هستند که در کنار بلوغ فردی و اجتماعی، افزایش مهارت، انگیزه و تولید ثروت میتوان آنها را جزو پیامدهای ازدواج بهموقع دانست. در حقیقت ازدواج و تشکیل خانواده انگیزشی قدرتمند برای زوجین ایجاد میکند تا به جنگ سختیهای زندگی بروند و از آسیب‌های گوناگونی که در زندگی مجردی در کمین آنهاست، مصون بمانند. از این دیدگاه پاسخگویی به نیازهای عاطفی بزرگترین دستاورد ازدواج است که به سامت شخصیتی فرد میانجامد. افزایش امنیت درونی بازیابی شخصیتی و حتی رفع برخی مشکلات ذهنی و روانی ارزش‌هایی هستند که میتوان آنها را جزو پیامدهای ازدواج بهنگام دانست اینکه یک نفر در کنارش باشد، تنهاییاش را پر کند و قابل اعتماد و محرم رازش باشد سوپاپ اطمینانی برای عصبیتهای فردی و اجتماعی هر یک از زوجین است و از بروز ناهنجاریهای رفتاری میکاهد. تجربه‌های اجتماعی نیز نشان میدهد هنگامی که ازدواج بموقع به زایش نهاد خانواده و اقتدار آن در جامعه میانجامد سطح آسیب‌های ناشی از احساس تنهایی و پوچی که از مشخصه‌های جهان معاصر است به کمترین حد ممکن میرسد. اوج این تجربه اجتماعی را میتوان در رابطه میان افزایش سن ازدواج و با رفتن میزان خودکشی یا میل به آن دانست. با این تذکر که در کشورهای غربی و جوامع غیردینی روابط نامشروع و آزادانه میان دو جنس مخالف خائ ناشی از افزایش سن ازدواج را پر نمیکند.



خودکشی به زعم بسیاری از روانشناسان پدیده‌های اجتماعی است که دنیای پیچیده، ماشینی و پر تعلیق امروزی در پی کمرنگ شدن مناسبات عاطفی و قدرت نهاد خانواده برای جامعه بشری ایجاد میکند و فراموش نکنیم احساس تنهایی و پوچی آپیدمی شده درجهان مدرن، پایه و اساس نابودی شخصی را موجب میشود. خانواده فرد را به عرصه اجتماع وارد میکند و پس از آن تشکیل یک خانواده جدید است که میتواند پوچی زندگی مدرن را از فرد بگیرد و به فلسفه حیات او و متعاقب آن رفتار و نگرش وی جهت بدهد. (بروجردی، ۱۳۸۷: ۸۴)

بخش چهارم: افزایش سن ازدواج، افزایش ناباروری و عدم میل به ازدواج

به گفته برخی متخصصان زمان طایی برای بچه‌دار شدن ۱۸ تا ۲۵ سالگی است و بعد از سن ۳۰ سالگی به دلیل افزایش اختلالاتی مانند فشار خون حاملگی، شانس بارداری کمتر است. این در شرایطی است که سن ازدواج در شهرهای بزرگ کشور به ۲۸ سال و بالاتر رسیده است. با رفتن سن ازدواج در کشور عامل افزایش ناباروری اعمام شده است که میتواند فرصت باروری زوجها را پنج تا هفت سال کاهش دهد. هرچه سن بالا برود، شانس موفقیت انجام روشهایی برای باروری کمتر میشود.

توجه هر چه بیشتر خانواده‌ها به امر ازدواج با در نظر گرفتن اینکه این امر یکی از واجبات در دین اسام میباشد و خداوند در قرآن به امر ازدواج تاکید فروانی نموده و در احادیث نیز بر آن تاکید فراوان توسط امامان معصوم ما شده است. حدیثی از پیامبر اسام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) که در روایتی فرمودند: کسی که از دین و اخلاق خوبی برخوردار است، اگر به خواستگاری دختر شما آمد، به او همسر بدهید، زیرا اگر چنین نکنید، فتنه و فساد بزرگی در زمین ایجاد کرده‌اید، به این موضوع تاکید دارند که خانواده‌ها راه ازدواج جوانان را با سنتهای غلط نگیرند و امر ازدواج را تسهیل بخشند. برای مبارزه با معضل اجتماعی



افزایش سن ازدواج، راه حل‌های زیادی وجود دارد که کمابیش از گذشته مطرح بوده و فراروی مسئولان و متصدیان کشور قرار داشته است. به نظر می‌رسد دیگر زمان دادن راه حل تمام شده و باید در مسیر عملی ساختن این راه حل‌ها قدم برداشت. تنها راه‌هایی از این مشکل آن است که ملت و دولت دست به دست هم دهند و با برنامه‌ریزی‌های کان فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، برای رفع این مشکل بزرگ تاش کنند. شاید نقطه آغازین و در عین حال بسیار مهم حل مشکل این باشد که ابتدا سعی کنیم تفکر و شناخت جوانان را عوض کنیم و آنان را از مادیگرایی و سطحی‌نگری، به معنویت و توجه به خدا و دین‌باوری، سوق دهیم. مهمترین عوامل عبارتند از:

بند اول: راهبردهای فرهنگی

تغییر نگرش‌ها و شناخت‌های افراد، کمک زیادی به تغییر رفتار آنان می‌کند، و هر تغییری بدون داشتن زیرساخت‌های فکری محکم، دوامی نخواهد داشت. وظیفه مهم که از کارهای عمده در این حوزه است، بر عهده متصدیان امور فرهنگی مثل حوزه، دانشگاه، صدا و سیما، مطبوعات، هنر و مانند آن است که باید در این راستا برنامه‌ریزی جدی داشته باشند. کارهایی که میتوان در راستای این هدف انجام داد، از قرار زیر است:

۱. ارزش دانستن تأهل

اگر تأهل و همسر داشتن به عنوان ارزش، و مجرد و مجرد ماندن، ضد ارزش تلقی شود، همانطور که در روایات اهل بیت آمده، کمک زیادی به تغییر نگرش افراد نسبت به سن ازدواج میشود. در فرهنگ دینی مهمترین ماک برای انتخاب همسر، ایمان و اخلاق است. و ماک‌های دیگر از اهمیت کمتری برخوردار است. این در حالی است که در جامعه کنونی ما ماک‌هایی چون مدرک، ثروت، پست و مقام و به طور کلی مظاهر مادی بیشترین اهمیت را دارد. به همین خاطر تمام تاش جوانان این است که از هر راهی، امتیازات فوق را به دست آورند و از این طریق به مقبولیت



اجتماعی کافی برسند. اما از آنجا که رسیدن به این ماکها زمان زیادی میطلبد، به ناچار از ازدواج در ابتدای جوانی محروم میشوند و به این طریق سن ازدواج افزایش مییابد. اگر مسئولین فرهنگی کشور، ارزشهای واقعی را که ایمان و اخلاق در صدر آن است ترویج کنند، نه تنها سن ازدواج کاهش پیدا میکند، بلکه بسیاری از مشکلات دیگر نیز حل خواهد شد.

۲. گسترش فرهنگ حجاب

در جامعه‌های که فرهنگ حجاب حاکم باشد و رابطه با نامحرم طبق موازین شرعی باشد و از اختلاطهای مضر و فسادانگیز بین پسر و دختر جلوگیری شود، زمینهای برای ارضاء نامشروع نیازهای جنسی یافت نمیشود و در نتیجه تمتعات جنسی منحصر به خانواده و ازدواج میشود. همین امر باعث میشود احساس نیاز به ازدواج در جوانان افزایش یابد و آنان زودتر ازدواج کنند. اگر فرهنگ حجاب کمرنگ شود و پسران و دختران محدودیت زیادی در ارتباط با یکدیگر نداشته باشند، انگیزه آنان برای ازدواج کاهش مییابد و در نتیجه سن ازدواج بالا میرود، همچنانکه یکی از علل فرار جوانان غرب از ازدواج همین موضوع است، زیرا ازدواج را مانع آزادی بی حد و حصر خود میبینند.

۳. گسترش فرهنگ قناعت و سادگی زیستی

اگر در جامعه، سادگی زیستی و استفاده از حداقل امکانات مادی ارزش شود و یا حداقل اینکه ضدارزش نباشد، سن ازدواج کاهش پیدا میکند؛ اما اگر داشتن خانه و اتومبیل مدل با و امکانات مادی، ارزش شود و چشم و همچشمیهای زیانآور گسترش یابد، جوان امروزی ما ناچار است در پی تهیه آن وسایل باشد و تا آن را تهیه نکرده ازدواج نکند. در نتیجه از داشتن خانواده در سن جوانی، محروم میماند.



۴. ازدواج در خال تحصیل

همانطور که گفتیم یکی از عوامل افزایش پیدا کردن سن ازدواج، تحصیل است. اگر طوری برنامه‌ریزی شود که دانشجویان قادر باشند در خال تحصیل، ازدواج کنند، سن ازدواج در بین این قشر که مهمترین و حساسترین بخش جامعه هستند، کاهش پیدا میکند. این امر مشروط بر این است که خانواده‌ها اوا اهمیت موضوع را درک کنند و متوجه این موضوع باشند که چه خطرهای بزرگی فرزندان دانشجوی آنها را تهدید میکند و چه مشکلات روحی و روانی زیادی در اثر تاخیر ازدواج برای آنان به وجود می‌آید و ثانياً با برنامه‌ریزی دقیق و با هماهنگی و کمک دانشگاه و دیگر نهادهای مربوطه، ترتیباتی بدهند که دانشجویان با حداقل امکانات بتوانند ازدواج کنند و در عین حال تحصیل خود را نیز ادامه دهند. جوان دانشجوی ما اگر امکان ازدواج داشته باشد، حتی به صورت ماندن در دوران عقد و نامزدی قبل از عروسی، هم از برکات مادی و معنوی ازدواج محروم نشده و هم با انگیزه بیشتری تحصیل را دنبال میکند. دانشجو اگر احساس کند آینده روشنی دارد و میتواند مسئولیت زندگی را که با ازدواج بر عهده او گذاشته میشود بر دوش بکشد، کمتر به دنبال فعالیتهای و برنامه‌های غیردرسی و حتی ضددرسی میرود و بلکه تمام سعی و همت خود را صرف بهتر کردن زندگی و بالاتر بردن سطح آن میکند.

بند دوم: راهبرهای اقتصادی

همانطور که گفتیم عوامل اقتصادی از عمده‌ترین دایلی است که جوانان برای تأخیر ازدواج خود مطرح میکنند. برای اینکه این عامل مهم را کاهش دهیم باید در دو جهت برنامه‌ریزی کنیم: ۱- هزینه‌ها را حتماً امکان کاهش بدهیم. ۲- منابع اقتصادی و تولید ثروت را برای جوانان فراهم کنیم. بنابراین راهبردهای زیر میتواند ما را در عملی ساختن دو هدف فوق یاری دهد:



۱. کاستن از هزینه‌های اضافی

بسیاری از هزینه‌هایی که در زندگی میشود، اعم از هزینه‌های جشن عقد و عروسی، یا تهیه جهیزیه، مسکن و سایر لوازم زندگی، ضرورت زیادی ندارد و امکان حذف یا کاهش آن وجود دارد. اگر پسر و دختر و خانواده‌هایشان تصمیم بگیرند تمام هزینه‌های غیرضروری را حذف کنند و به حداقل امکانات اکتفا کنند، امکان ازدواج برای اکثر جوانان ما عملی میشود. اینکه جوانان ما یا خانواده‌هایشان این تصور و ایده را داشته باشند که در ابتدای زندگی باید از همه یا اکثر امکانات مادی برخوردار باشند و در برگزاری مراسم عقد و عروسی، هزینه‌های سنگینی بر یکدیگر تحمیل کنند، نتیجه‌ای جز فرار جوانان از ازدواج نخواهد داشت.

۲. همیاری در هزینه‌های ازدواج

همانطور که خداوند همه مردم جامعه را به یاری جوانان برای ازدواج و تشکیل زندگی دعوت میکند، همه افراد، خصوصاً افراد متمول، وظیفه دارند در این امر خیر شرکت کنند. همچنین اگر ترتیبی داده شود که افراد نزدیک به خانواده پسر و دختر، به صورت یک رسم و عادت نیکو، قسمتی از هزینه‌های ازدواج را بر عهده گیرند، کمک بزرگی به تحقق این هدف میشود. این پیشنهاد گرچه ظاهر ساده‌ای دارد، ولی در عمل تأثیر شگفتانگیزی در هموار ساختن مسیر ازدواج جوانان دارد و چون این مشکل عمومیت دارد، و هر کسی خود را محتاج کمک مبیند، همه مردم در این امر خیر شرکت خواهند کرد.

۳. پرداخت وام‌های قرض‌الحسنه برای ازدواج

قرض‌الحسنه که یکی از سنت‌های خوب و گره‌گشای اسامی است و در آیات فراوانی از قرآن به آن تشویق و تأکید شده، تأثیر فوق‌العاده‌ای در حل مشکلات اقتصادی جامعه دارد. اگر این



سنت حسنه که امروز در گوشه و کنار جامعه تحت عنوان «وام ازدواج» وجود دارد، گسترش یابد و به این طریق وامهای طوایم‌دست و کمبهره به جوانان برای ازدواج و تهیه وسایل زندگی داده شود، چنانکه از برنامه‌های مهم دولت جدید شمرده شده است، کمک زیادی به ازدواج جوانان و در نتیجه کاهش سن ازدواج، خواهد شد.

۴. ایجاد شغل‌های پاره وقت در دوران تحصیل و مانند آن

امروز دغدغه اصلی جوانان و به ویژه دانشجویان، اشتغال است. متأسفانه آموزش و پرورش و آموزش عالی ما طوری برنامه‌ریزی نکرده که همه فارغ‌التحصیان خود را به ابزار و فنون شغلی مجهز کند. همانطور که نیروی نظامی نتوانسته برای سربازان وظیفه که خیل عظیمی از جوانان کشورند، در این زمینه کاری کند و حداقل هر یک از آنان را در مدت سربازی به فن یا صنعتی مجهز کند. البته کارهایی در تحقق این هدف انجام شده، ولی اصلاً کافی نیست. فی‌المثل اگر دانشجوی جوان ما، بتواند در خال تحصیل، شغل مناسبی داشته باشد، میتواند بسیاری از هزینه‌های زندگی خود را تأمین کند. از مه این کار این است که آموزش‌های کاردانی و کاربردی در طول تحصیل گسترش یابد و تعداد واحدهای نظری کاهش پیدا کند.

۵. تشویق به زندگی در کنار خانواده یکی از زوجین

در زمانهای گذشته اکثر جوانان، ابتدای زندگی خود را در کنار والدینشان آغاز میکردند و به مرور زمان سعی میکردند با پسانداز و امثال آن، از پدر و مادر خود مستقل شوند، اگر بتوان این فرهنگ را دوباره زنده کرد و جوانان و خانواده‌هایشان را به پذیرش این امر تشویق کرد، کمک زیادی به حل مشکل ازدواج میشود.



بند سوم: راهبردهای اجتماعی

از آنجا که اجتماع و جامعه، مجموعه‌های متشکل از واحدهای کوچکتر خانواده است، بهترین جایگاه کمک به ایجاد خانواده و فراهم ساختن ازدواج جوانان، خود جامعه است. از اینرو برای حل مشکل ازدواج جوانان و جلوگیری از افزایش سن ازدواج، چارهای جز همکاری و همیاری همه افراد و آحاد جامعه، وجود ندارد. راهبردهای اجتماعی که میتوان در این زمینه ارائه دارد، از قرار زیر است:

۱. فراهم کردن شرایط ازدواج آسان

دولتمردان و متصدیان اجتماع وظیفه دارند برنامه دقیقی برای حل این مشکل ارائه دهند. همچنین با تشویق مردم، خصوصا افراد متمول، جوانان را در این امر یاری دهند. مسلما اگر دولت و مسئولان امر قدمی در این راه بگذارند، همه مردم به کمک آنها میشتابند، زیرا این یک مشکل همگانی است و همه افراد بهگونهای با آن درگیر هستند.

۲. گسترش مراکز مشاوره ازدواج

یکی از دایلی که جوانان را از ازدواج دور کرده است، نداشتن اطاعات صحیح از ازدواج و وجود بدبینیهای بی مورد است. بسیاری از جوانان نسبت به اصل ضرورت ازدواج بیاطاعند و برخی هم از افکار ناصحیح و خرافی در این مورد رنج میبرند. وجود مراکز مشاوره ازدواج، کمک شایانی به جوانان میکند و دغدغههای بیمورد آنان را برطرف میسازد.

۳. کنترل مهاجرت روستاییان به شهرها

از بین تمام خسارتهای و ضررهایی که در مهاجرت روستاییان به شهر وجود دارد، مشکل افزایش سن ازدواج، جایگاه ویژه‌ای دارد. اگر بتوان با افزایش امکانات زندگی در روستاها و



ایجاد اشتغال برای آنان، از مهاجرت آنها جلوگیری کرد و آنان را به ماندن در روستا و تولید محصولات کشاورزی و دامی و امثال آن تشویق نمود، عاوه بر حل بسیاری از مشکلات اجتماعی، از افزایش سن ازدواج نیز جلوگیری خواهد شد.

۴. جلوگیری از بی بند وباری و ابتذال و فساد اخاقي

یکی از راههای پیشرفت در جامعه ما اجرای قانون اساسی و جلوگیری از متخلفین و برهم زندگان نظم و قانون است. اگر از فساد و ابتذال، خصوصا در حوزه اخاق و مسائل جنسی جلوگیری نشود و با افراد متخلف برخورد جدی صورت نگیرد و در مقابل تهاجم و شیخون فرهنگی دشمن، سیاست تسامح و تساهل اجرا شود، جامعه چنان دچار آشفتگی میشود که اولین ضرر آن متوجه نهاد مقدس خانواده میشود و جایگاه آن را تضعیف میکند. امروز کم نیستند جوانان پاک و مؤمنی که شریک زندگی مناسبی برای خود نمییابند. تأثیر مخرب گسترش فساد و فحشا و ابتذال و مخصوصا مواد مخدر بر تزلزل کانون خانواده و بدبینی جوانان به ازدواج، بر کسی پوشیده نیست. اگر متصدیان اجتماع برای مبارزه با مفاسد اخاقي کمر همت ببندند و این دامهای خطرناک را از جلوی جوانان بردارند، برکات زیادی نصیب جامعه خواهند کرد که یکی از آنها هموار شدن راه ازدواج جوانان است.

بخش پنجم: پیشنهادات نویسندگان

یکی از کارسازترین پیشنهاداتی که میتوان در راستای کاهش سن ازدواج مطرح کرد، کاهش توقعات دختران و خانوادههای آنها در امر ازدواج است که در نتیجه تجملگرایی نیز کاهش یافته و بالطبع سادگی و آسان گیری سبب افزایش میزان ازدواج در سن مناسب آن خواهد شد.

*عاوه بر آن کاهش توقعات هر دو جنس زن و مرد در تعیین ماکها و ویژگیهایی که جهت همسر آینده خود در نظر دارند، که این امر مانعی خواهد بود بر سر راه بسیاری از



خواسته‌های نامعقولی که افراد چه زن و چه مرد از همسر آینده خود خواهند داشت، ماکهایی چون زیبایی آن چنانی یا ثروت و... که هیچ یک ضامن سعادت و خوشبختی نخواهند بود.

* فراهم آوردن شرایط و مکانهایی از سوی مسئولان در جهت روبرویی و آشنایی افراد با یکدیگر و در نتیجه افزایش فرصت‌های ازدواج برای آنها در مکانی که مورد پذیرش عموم و عرف است در این میان ممکن است بسیاری از دختران و پسرانی که تمایل به ازدواج دارند مشکلشان یافتن یکدیگر باشد و برآستی ندانند که نیمه گم شده خود را در چه مکانی باید بیابند، کجا با یکدیگر آشنا شوند، چگونه بفهمند که آیا با هم تناسب دارند یا خیر، از روحيات یکدیگر به چه طریقی مطلع شوند. ایجاد مرکزی اینترنتی که از روش‌های علمی برای تطابق افراد استفاده میکند تحت نظارت مراجع ذیصلاح و بهره‌گیری از متخصصین امور ازدواج و خانواده، میتواند افرادی که با هدف ازدواج در پی یافتن همسر میباشند را یاری نماید. البته این امر مستلزم نظارت بسیار دقیق است تا افراد سوء استفاده گر راه نفوذ در چنین محیط‌هایی را نداشته باشند.

* فراهم آوردن شراط ازدواج آسان از سوی مسئولین جامعه، مسائلی همچون مسکن و اشتغال و وامهای ازدواج و... .

* معاف کردن افراد متأهل از سربازی غیرآموزشی

* اولویت استخدام برای افراد متأهل که شرایط ازم را دارند

* واگذاری خانههای استیجاری ارزان قیمت به جوانان تحصیل کرده و متأهل * دادن وامهای ازدواج بدون بهره



- * ارتقاء فرهنگ ازدواج با تشریح نیازهای طبیعی و حقوق متقابل زن و مرد
- * ایجاد فضای مناسب و ارزان قیمت برای ازدواج دسته‌جمعی جوانان میتواند عاملی در افزایش تمایل آنها به ازدواج باشد.
- * تعدیل مهریه‌ها و زندانی نکردن افراد به دلیل عدم توانایی در پرداخت مهریه و تملک اموال بعد از ازدواج به صورت نصف میان زن و مرد، تمایل جوانان را به ازدواج افزایش میدهد.
- * ازدواجهای دانشجویی در شرایط کنونی ناموفق است زیرا همانکون میبینم انگیزه جوانان از این ازدواجها بیشتر از روی هوس، احساس و دریافت وام یا هدایا از سوی سازمانها است. ازدواج دانشجویی باید با انجام مشاوره و اجازه خانوادهها صورت گیرد و تمام امکانات ازم از قبیل خوابگاه و شغل مناسب برای این جوانان پس از اتمام تحصیلات تأمین شود. نهادهای مسئول در امر ازدواج جوانان، موفق عمل نمیکنند امر ازدواج جوانان باید به افراد متخصص سپرده شود و اندیشمندانی فعال در این زمینه برای معضل بزرگ تأخیر در ازدواج جوانان چاره‌اندیشی کنند. مشاوره رایگان ازدواج در مراکز مشاوره میتواند در ازدواج موفق جوانان، شناخت کامل آنها از یکدیگر و کاهش شکست در ازدواج موثر باشد.
- دختر و پسر دانشجو یا دانشآموز میتوانند با مقدمات ساده و کم خرج و بدون تشریفات نامزد شوند و عقد شرعی و قانونی کنند و رسماً همسر یکدیگر شوند اما عروسی عرفی را به تأخیر بیندازد و به تحصیلات ادامه دهند تا در فرصتی مناسب ازدواج کنند در این صورت از انحرافات و زیانهای مجرد بودن در امان خواهند ماند و از آرامش و فایدههای همسررداری بهره‌مند خواهند شد.



نتیجه گیری

نیاز جنسی، بخش جدایی ناپذیر ماهیت زیستی، روانی و اجتماعی آدمی را تشکیل میدهد و روشن است که کیفیت ارضای این نیاز نقش بسیار مهمی در سلامت و بهداشت روانی فرد و جامعه دارد. بر اساس آموزه های دینی، اگر این نیاز به صورت شرعی و معقول (ازدواج) و در زمان مناسب ارضا شود باعث آرامش خاطر، رشد شخصیت و نیز استمرار حیات بشر میشود و اگر امکان ارضای صحیح آن فراهم نیاید به صورت انحرافات جنسی و بی بند و باری های اخاقي نمودار خواهد شد.

عوامل موثر در افزایش سن ازدواج مسئله، مشکلات و موانع ازدواج از یک سو و آرزوها، ایده آلهای و تصویری که دختران و پسران از آینده و زندگی مشترک خود دارند از سوی دیگر موجب گردیده که جوانان به آسانی تن به ازدواج ندهند. جوان در جستجو و تاش برای رسیدن به شکلی از زندگی است که رهیافت واقعی جامعه است اما از سوی دیگر، فرصتها و امکانات مساوی برای دست یابی به این شرایط وجود ندارد. بسیاری از جوانان با این استدال که تامین هزینه های عقد و عروسی، تهیه منزل و اسباب و لوازم زندگی بسیار سخت است و نمی توان از عهده مخارج آینده زندگی بر آمد و آبرومند زندگی کرد بر خاف میل باطنی از ازدواج به موقع خودداری میکنند.

به نظر میرسد بین افزایش سن ازدواج و انحرافات اخاقي رابطهای دو سویه بر قرار باشد روابط آزاد بین دختر و پسر امکان ارضای جنسی نیاز به ازدواج را در جوانان کمرنگ کرده است. بنابراین روابط آزاد دختر و پسر امکان بهره گیری جنسی از طریق غیر ازدواج که در عین حال مسئولیت چندانی بر عهده فرد نمی گذارد خود یکی از عوامل افزایش سن ازدواج است. در سال اخیر آمار منحنی های رو به رشد و مشابهی را در زمینه انحرافات و بی بند و باری های اخاقي در میان جوانان نشان میدهند. به طور قطع نمی توان یک عامل را علت



انحرافات اخقی و بی بند و باری جنسی جوانان دانست در بیشتر موارد ترکیب اخقی جوانان تا حد زیادی ناشی از فراهم نبودن شرایط ازدواج برای جوانان یا به تعبیر دقیق تر، افزایش سن ازدواج است.



منابع و مأخذ

۱. کتاب ها

- امینی، ابراهیم، ۱۳۶۹، **انتخاب همسر**، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی چاپ اول
- بروجردی، لیلی، ۱۳۸۷، **تدبیر قانونی در سن ازدواج**، انتشارات اطاعات
- بودن، ریمون، ۱۳۷۰، **تحرك اجتماعي، كتاب جامعه پژوهشی**، ترجمه مومناکشی، نشر مرندیز، گناباد
- بهنام، جمشید، ۱۳۵۲، **ساختمان خانواده و خویشاوندی در ایران**، انتشارات خوارزمی، چاپ
- تقوی، نعمت اله، ۱۳۷۶، **جامعه شناسی خامواده**، دانشگاه پیام نور، تهران
- خلیقی، حسین، ۱۳۶۶، **ازدواج و جوانان**، رسالت
- خلیقی، حسین، ۱۳۸۷، **ازدواج و جوانان**، رسالت
- رحمانی، فریدون، ۱۳۶۲، **زنان، ازدواج و حجاب**، چاپ خرمی
- رشید پور، مجید، ۱۳۶۵، **روان شناسی ازدواج در اسام**، انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی
- ۱۳۶۲، **راه پیروزی بر مشگات پیمان زناشویی**، انتشارات امیر



- زمانی، مصطفی، ۱۳۶۶، **درد و درمان جوانان**، اطاعات.
- ساروخانی، باقر، ۱۳۷۰، **مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده**، سروش، چاپ اول
- ساروخانی، باقر، ۱۳۸۰، **روشهای تحقیق در علوم اجتماعی**، جلد دوم، پژوهشگاه علوم انسانی
- سخنور، ابراهیم، ۱۳۶۱، **بحثی پیرامون روان شناسی ازدواج**
- شوازی، عباس، ۱۳۸۴، **الگوهای ازدواج در ایران**، پژوهش زنان دوره ۳
- صدیق اورعی، غامرضا، ۱۳۷۴، **جوانان**، انتشارات جهاد دانشگاهی، مشهد
- طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۶۰، **از نیازهای جامعه، متعه یا ازدواج موقت**، انتشارات امام صادق
- کیهان نیا، افشین، ۱۳۸۱، **جوان و ازدواج**، نشر مادر، چاپ ۷
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۵، **نظام حقوق زن در اسلام**
- موراتا، ساجیکو، ۱۳۷۰، **ازدواج موقت (متعه، صیغه)**، ناشر همدی
- مهدوی، محمدصادق، ۱۳۷۷، **بررسی تطبیقی تغییرات ازدواج**، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی



نشریات: (مجله، روزنامه، مقاله)

- ایمانی، محسن، ۱۳۸۷، ازدواج به موقع، ، مجله اصاح و تربیت، شماره ۶۳
- خورشیدوند، ابوالقاسم، ۱۳۸۵، ازدواج جوانان 'مسئله ای که حل آن یاری مسووان را می طلبد، اطاعات، شماره ۴۲
- علیایی زند، شهین، ۱۳۶۷، آیا برای ازدواج 'سن مناسبی وجود دارد، قدس، شماره ۲۱

پایان نامه ها

- بالی اشک، ابوالقاسم، ۱۳۳۶-۳۷، عوامل اجتماعی، اقتصادی موثر در تعیین سن ازدواج، رساله لیسانس، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی
- بهنام، جمشید، ۱۳۸۲، بررسی امر ازدواج در مرحله انتقالی جامعه ایرانی، سمینار علوم اجتماعی، دانشگاه تهران موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشکده ادبیات



جهت همکاری با بنیاد علمی قانون یار در راستای برگزاری سمینار، کارگاه های آموزشی، کنگره و نشست های علمی با موسسه تماس بگیرید ۵۲۶ و ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹ مدیر پژوهش ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵

۶th scientific conference of Ghanonyar Institute at the national level

ششمین همایش ملی جرم‌شناسی و پیشگیری از ارتکاب جرم، خودکشی و انحرافات جوانان در جامعه

**مشاره ۲۴ ساعت به پژوهشگران
در خصوص نگارش و ارسال مقالات
۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵**

مخبرهای پذیرش مقالات پژوهشگران:

- ۱- پژوهش های مربوطه در حوزه پیشگیری از ارتکاب جرم و خودکشی
- ۲- شناخت علل و عوامل انحرافات جوانان در جامعه و ارائه راهکار عملی
- ۳- بررسی لزوم رعایت حجاب و آثار و پیامدهای آن در جامعه
- ۴- راهکارهای مبارزه با فقر، بی حجابی و فساد، اعتیاد، طلاق و
- ۵- پژوهش های مربوطه در راستای عدالت کیفری و عدالت ترمیمی
- ۶- تاثیر کیفر و مجازات در تکرار جرم و دستیابی به جامعه ای سالم
- ۷- شناسایی معضلات و اسباب های اجتماعی و ارائه راهکار حل مشکل

ایمیل همایش برای ارسال مقالات LOLOMENSANI@YAHOO.COM	رئیس علمی و مسئول همایش دکتر بهنام اسدی
مدیر هیأت سیاستگذاری همایش دکتر سیدمصطفی حسینی	ارسال مقاله از طریق پیام رسان ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲
شماره تماس های دبیرخانه همایش ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹ و ۵۲۶	مکان و زمان برگزاری همایش ۲۹ آذر- سالن همایش سازمان ارشاد برورد

لوگو حامیان معنوی و برگزار کنندگان همایش

ششمین همایش جرم شناسی و پیشگیری از ارتکاب جرم، خودکشی و انحرافات جوانان (نهاد برگزار کننده: بنیاد علمی و حقوقی قانون یار) - برورد ۲۹ آذر ماه ۱۴۰۲